

۷ کارنیل، بزرگترین شبکه موفقیت ایرانیان می باشد، که افرادی زیادی توانسته اند با آن به موفقیت برسند، فاطمه رتبه ۱۱ کنکور کارشناسی، محمد حسین رتبه ۶۸ کنکور کارشناسی، سپیده رتبه ۳ کنکور ارشد، مریم و همسرش راه اندازی تولیدی مانتو، امیر راه اندازی فروشگاه اینترنتی، کیوان پیوستن به تیم تراکتور سازی تبریز، میلاد پیوستن به تیم صبا، مهسا تحصیل در ایتالیا، و.... این موارد گوشه از افرادی بودند که با کارنیل به موفقیت رسیده اند، شما هم می توانید موفقیت خود را با کارنیل شروع کنید.

برای پیوستن به تیم کارنیلی های موفق روی لینک زیر کلیک کنید.

www.karnil.com

همچنین برای ورود به کانال تلگرام کارنیل روی لینک زیر کلیک کنید.

<https://telegram.me/karnil>



جمهوری اسلامی ایران

وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی
منطقه هوراند

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

تهیه و تدوین: عبدالله کهن سال
بهمن ماه 1388

فهرست	
صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۲	زمان حال ساده
۴	زمان حال استمراری
۵	زمان حال کامل
۸	زمان گذشته ساده
۹	زمان گذشته استمراری
۱۱	زمان گذشته کامل
۱۲	زمانهای مربوط به آینده
۱۴	اسم ها
۱۸	صفات
۲۱	قیدها
۲۴	ضمایر فاعلی
۲۴	ضمایر مفعولی
۲۵	ضمایر ملکی و صفات ملکی
۲۵	ضمایر انعکاسی
۲۶	ضمایر موصولی
۲۷	ضمایر دیگر
۲۸	افعال کمکی (معین)
۲۹	جملات شرطی
۳۱	افعال مجهول (the passive voice)
۳۳	عبارت اسمی (Noun Clause)
۳۴	افعال دو کلمه ای
۳۵	اسم مصدر (Gerund)
۳۶	ضمایم پرسشی (Question Tags)
۳۷	نقل قول (Reported speech)
۴۰	کاربردهای It
۴۱	نکاتی درباره ی no-any-some
۴۲	نکاتی پیرامون as well as – too -also
۴۳	حرف تعریف معین (Definite article)
۴۶	حرف تعریف نامعین (Indefinite article)
۴۸	تلفظ پایانه های s و ed
۴۹	استرس (stress) در زبان انگلیسی
۵۲	تفاوتهای انگلیسی آمریکایی و انگلیسی بریتانیایی
۵۴	فهرست افعال بی قاعده (نامنظم)

اکثر دانش آموزان و یا شاید علاقمندان به فراگیری زبان های خارجی با این سوال در ذهن خود به کلنجار می روند که "با چه روش و شیوه ای می توان یک زبان خارجی (انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و...) را فرا گرفت؟" پاسخ بسیار ساده است. "هیچ کس نمی داند."

در حوزه یادگیری و یاددهی زبان خارجی روشها و شیوه های متعددی (که این روشها بیشتر در حوزه یاددهی و تدریس هستند) وجود دارد. اما اینکه کدام یک از این روشها مناسب تر و مفیدتر است به عوامل گوناگونی از قبیل جنسیت، سن، علاقه، انگیزه زبان آموز از یادگیری زبان، زبان مادری، فرهنگ، موقعیت اجتماعی، جغرافیایی و ... زبان آموز بستگی دارد.

یادگیری زبان راهی نیست که بتوان یک شبه پیمود. بلکه فراگیری زبان یک فرایند مستمر است و باید با پشتکار، صبر و حوصله، تمرین و ممارست و البته با اعتماد به نفس پیش رفت. کسانی که در این مسیر عجله کنند زود ناامید شده و دست از تلاش برمی دارند.

در نظام آموزش و پرورش کشور ما هدف اصلی از آموزش زبانهای خارجی مهارتهای "خواندن و نوشتن" زبان خارجی است و به مهارتهای "گوش دادن و صحبت کردن" اهمیت چندانی داده نشده است. با توجه به ارتباطات روز افزون مسئولین آموزش و پرورش باید به این امر توجه خاصی داشته باشند.

توصیه حقیر به فراگیران زبانهای خارجی این است که صرفاً با مطالعه نکات دستوری یک زبان نمی توان بر کل مهارتهای آن زبان (گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن) تسلط یافت. بلکه باید تمامی مهارتها مورد توجه قرار گیرند. در دوره متوسطه موفقیت دانش آموزان در این است که **چقدر گنجینه لغات آنها غنی است و چگونه از این گنج پر بهاء استفاده می کنند** که متأسفانه در کتب زبان انگلیسی دوره متوسطه نحوه ارائه لغات جدید نا مناسب و تمرین های مرتبط با لغات و کلمات جدید بسیار ناچیز است. بنابر این توصیه بنده به دانش آموزان این است که **روز به روز به دامنه لغات خود بیفزایند و لغات یادگرفته شده را در موقعیتهای گوناگون به کار ببرند**. البته نکات دستوری و مهارت درک مطلب نیز فراموش نشود.

در این جزوه که بنا بر تقاضا و خواست دانش آموزان دبیرستان شهید رجایی قره قیه گردآوری شده سعی بر آن شده است تا عزیزان ضمن مرور و یادآوری مطالب دستوری یاد گرفته شده بر نکات ریز و جدید نیز توجه لازم را داشته باشند تا شاید گره گشای کارشان بوده باشد.

"هرگز در پی روش دیگران نباشید بلکه روش و شیوه خاص خود را دنبال کنید"

برای همه شما آرزوی موفقیت دارم

عبداله کهن سال

بهمن ماه 1388

ساختار

مفرد		جمع	
I, you	go, play, don't work	we	go,
he, she, it	goes, plays, doesn't work	you	play,
		they	don't work

حالت سوالی و منفی

1- اگر فاعل جمله جمع و یا اول شخص و دوم شخص مفرد باشد در آن صورت برای سوالی کردن در ابتدای جمله فعل کمکی **do** و برای منفی کردن قبل از فعل اصلی قید منفی **do not (don't)** نوشته می شود.

(سوالی) Do they pray every day? Yes, they do

(منفی) Ali and Ahmad don't want to be late.

2- اگر فاعل جمله سوم شخص مفرد باشد در آن صورت برای سوالی کردن در ابتدای جمله فعل کمکی **does** و برای منفی کردن قبل از فعل اصلی قید منفی **does not (doesn't)** نوشته می شود.

(سوالی) Does your sister do her homework in the evening? No, she doesn't.

(منفی) She doesn't work in the library.

کاربرد

زمان حال ساده یکی از متداولترین زمانها در زبان انگلیسی می باشد که برای مقاصد زیر مورد استفاده قرار می گیرد:

1- برای بیان عملی که همیشه تکرار می شود، مانند یک عادت یا رسم:

1. I **go** to school by bus.
2. We **get up** at 7 AM.
3. 'Does he **smoke**?' 'No, he **doesn't**.'



2- برای بیان حقیقتی که همیشه یا معمولاً درست است:

1. The earth **orbits** the sun.
2. I **come** from Iran.
3. Some animals **migrate** in winter. (بعضی از حیوانات در زمستان مهاجرت می کنند.)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

3- برای بیان حقیقتی که برای مدتی (طولانی) دوام داشته باشد:

1. I **work** in a shop.
2. She **lives** in a small cottage.

نکته

زمان حال ساده اغلب با قیدهایی تکرار مورد استفاده قرار می‌گیرند. مهمترین قیدهایی تکرار (frequency adverbs) عبارتند از :

never rarely sometimes often usually always
 0% 50% 100%

1. I **usually** play football with my friends.
2. I **never** go shopping.
3. **sometimes** she **plays** piano for us.

نکته اگر فاعل جمله در زمان حال ساده سوم شخص مفرد (he, she, it, Ali, ...) باشد در آن صورت به آخر فعل اصلی s یا es اضافه می‌شود.

چند نکته در مورد هجی (verb + s)

1- افعالی که به o و x, ch, sh, ss ختم می‌شوند، به جای s ، es می‌گیرند:

kisses, washes, watches, does, boxes

2- افعالی که به y ختم می‌شوند و قبل از آن حرف بی‌صدایی بیاید، y به ies تبدیل می‌شود :

(try, tries) (hurry, hurries) (fly, flies)

ولی آن دسته از افعالی که به y ختم می‌شوند و قبل از آن یک حرف صددار وجود دارد، تنها یک s می‌گیرند :

plays, buys, enjoys

توجه ! برخی از قیدهایی (نشانه ها) این زمان عبارتند از :

1. **every** (hour, day, week, month, morning, ...)
2. **on** (Mondays, Sundays, Fridays, ...)

⊞ زمان حال استمراری

ساختار

I	'm am	coming
you	're	doing
we	are	going
they		taking
he	's	
she	is	
it		

حالت سوالی و منفی

در حالت سوالی فعل **be (am, is, are)** در اول جمله و در حالت منفی بعد از آن (am, is, are) قید منفی **not** نوشته می شود.

(سوالی) Is she cleaning her room? Yes, he is.

(منفی) John's parents aren't eating dinner at the moment.

کاربرد

1- برای بیان عملی که هم‌اکنون جریان دارد:

1. She **is watching** the TV.
2. He **is working** at the moment.

2- برای بیان عملی یا موقعیتی که در حال حاضر در حال وقوع می‌باشد، اما الزاماً در همین زمان صحبت کردن در حال رخ دادن نیست:

1. I'm **reading** an exciting book.
2. He **is learning** Arabic.

(توجه داشته باشید که مثلاً در جمله اول، شخص گوینده ممکن است در همین لحظه مشغول مطالعه کتاب باشد و یا اینکه ممکن است منظورش این باشد که مدتی است مشغول مطالعه کتاب است ولی هنوز تمام نشده است.)


3- برای بیان قراری تعیین شده در آینده:

1. I **am meeting** him at the park.


4- برای بیان کار یا شرایطی موقتی:

2. I'm **living** in a small flat now, but I'm trying to find a better one.

(در حال حاضر در یک آپارتمان کوچک زندگی می‌کنم، اما دارم سعی می‌کنم یک بهترش را پیدا کنم.)

در زمان حال استمراری همیشه در آخر فعل اصلی پسوند **ing** نوشته می شود.  توجه

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

چند نکته 

در مورد هجی (افعال ing دار)

1- افعالی که به یک e ختم می‌شوند، آن e حذف می‌شود:

(come, coming) (take, taking) (write, writing)

ولی در مورد افعالی که به ee ختم می‌شوند، این قاعده صدق نمی‌کند:

(agree, agreeing) (see, seeing)


2- در افعال یک بخشی (یک هجایی) که دارای یک حرف صدادار و یک حرف بی‌صدا می‌باشند، حرف بی‌صدای آخر تکرار می‌شود:

running, stopping, getting

ولی چنانچه حرف بی‌صدای آخر y یا w باشد، تکرار نمی‌شود:

showing, enjoying

برخی از قیدهایی این زمان عبارتند از:

توجه 

now, at the moment, at present, for the time being, ...

زمان حال کامل 

ساختار

جملات مثبت و منفی:

I, you, we, they	have ('ve) have not (haven't)	past participle (قسمت سوم فعل)
he, she, it	has ('s) has not (hasn't)	

جملات پرسشی:

have	I, you, we, they	past participle (قسمت سوم فعل)?
has	he, she, it	

حالت منفی

در حالت منفی بعد از have و has قید منفی not نوشته می‌شود.

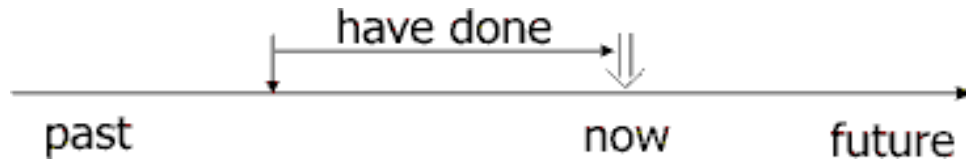
چند مثال:

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

1. We've been to Paris.
2. He hasn't lived in Paris.
3. Have you met him yet?

کاربرد

1- برای بیان عملی که در گذشته آغاز شده و همچنان ادامه دارد:



1. I have studied English since 1990. (از سال 1990 به مطالعه انگلیسی پرداخته‌ام)
2. She's lived in Tehran for 10 years. (او به مدت 10 سال در تهران زندگی کرده است)
3. How long have you lived in Tehran? (چه مدتی در تهران زندگی کرده‌اید؟)
4. I've lived in Tehran all my life. (همه عمرم را در تهران زندگی کرده‌ام)

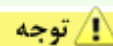
نکته 

توجه داشته باشید که در زمان حال کامل، غالباً از اصطلاحات زمانی خاصی مانند **since** و **for** استفاده می‌شود.
for نشان دهنده دوره‌ای از زمان است که تا کنون ادامه داشته است، ولی **since** با مقطعی از زمان به کار می‌رود و به معنی «از آن زمان تا کنون» می‌باشد:

a year	seven o'clock
two months	1980
three hours	September
ten minutes	last week

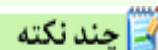
2- برای بیان تجربه‌ای که در زمانی در زندگی شخصی اتفاق افتاده است. در واقع این عمل در گذشته روی داده و به پایان رسیده است، اما آثار آن هنوز محسوس است. این که این عمل یا تجربه چه موقعی روی داده، مهم نیست:

1. I have never been to England. (من هرگز به انگلستان نرفته‌ام)
 2. She has had several operations up to now. (او چندین عمل جراحی داشته است)
 3. He's written a lot of short stories. (او داستانهای کوتاه زیادی نوشته است)
- 3- برای بیان عملی که در گذشته نزدیک اتفاق افتاده ولی اثر آن در زمان حال مشاهده می‌شود. در این حالت از **yet**، **already**، **still** و **just** بسیار استفاده می‌کنیم:



از **already** بیشتر در جملات مثبت و از **yet** بیشتر در جملات منفي و پرسشي استفاده مي شود.

1. **I've just had** a sandwich. (من تازه یک ساندویچ خورده‌ام)
2. **I've already seen** the movie. (این فیلم را قبلاً دیده‌ام)
3. The bus **hasn't arrived yet**. (اتوبوس هنوز نرسیده است)
4. **I still haven't finished** my homework. (هنوز تکالیفم را تمام نکرده‌ام)



1- اگر ارتباطی با زمان حال موجود نیست (مثلاً چیزهایی که مدتها قبل اتفاق افتاده‌اند) از حال کامل استفاده نکنید.

Hafiz was a Persian poet. He **wrote** many poems.

My father is a writer. He **has written** many books.

در مثال اول از گذشته ساده استفاده کردیم تا نشان دهیم که او (حافظ) دیگر شعر نمی‌نویسد، ولی در مثال دوم برای اینکه نشان دهیم که او هنوز کتاب می‌نویسد از حال کامل استفاده کردیم.

2- ما از حال کامل برای ارائه اطلاعات جدید استفاده می‌کنیم. ولی اگر بخواهیم به صحبت‌مان درباره آن ادامه دهیم، معمولاً از گذشته ساده استفاده می‌کنیم:

A: "Ben **has broken** his leg."

B: "Really? How **did** that **happen**?"

A: "He **fell** off a ladder."

ساختار

I, we, you, he, she, ...	worked	(last week)
	played	(yesterday)
	heard	

پرسشی			منفی		
Did	I, we, you, he, she, ...	work...? play...? hear...?	I, we, you, he, she, ...	didn't did not	work... play... hear...

در زمان گذشته ساده افعال اصلي به دو دسته كلي تقسيم مي شود.

1- افعال اصلي با قاعده مثال: (که به آخر آنها پسوند (ed) اضافه مي شود).

(play , played) (study , studied) (open , opened)

2- افعال اصلي بي قاعده مثال:

(see, saw) (go, went) (wake up, woke up)

کاربرد

گذشته ساده در موارد زیر کاربرد دارد:

1- براي بيان کاري که در گذشته و زمان مشخصي به پايان رسیده است:

1. We **met** last week.
2. He **left** yesterday.

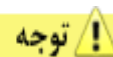
2- براي بيان کارهايي که پشت سر هم در یک ماجرا يا داستان مي آیند:

I **walked** into my room and **sat** down. Suddenly I **heard** a noise coming from outside. I **got** up and **went** towards the window...

3- براي بيان عادت يا شرايطي در گذشته:

1. When he **was** a child, they **lived** in a cottage in the jungle.
2. Every day he **walked** in the jungle to....

در حالت سوالي و منفي فعل اصلي هميشه بصورت ساده (مصدر بدون to) نوشته



مي شود.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه


چند نکته  در مورد هجی (verb + ed)

1- هنگامیکه فعلی به e ختم می‌شود، فقط d اضافه می‌کنیم:

loved, hated, used

2- افعال یک هجایی (یک بخشی) که به ترتیب شامل یک حرف صدادار و یک حرف بی‌صدا می‌باشند، حرف بی‌صدای آخر تکرار می‌شود:


stopped, planned, robbed

نکته  1- اگر دو حرف صدادار وجود داشته باشد، حرف بی‌صدای آخر تکرار نمی‌شود:

looked, cooked, seated

2- اگر حرف بی‌صدای آخر y یا w باشد نیز تکرار نمی‌شود:

played, rowed, showed

توجه  برخی از قیدهایی این زمان عبارتند از:

1- yesterday

2- last (night, week, month , year,...)

3- (two days, three hours, five weeks, ...) ago

4- in (1387, 1999, ...)

🕒 زمان گذشته استمراری

ساختار

جملات مثبت و منفی:

I, he, she, it	was wasn't	walking playing fishing
you, we, they	were weren't	

جملات پرسشی:

was wasn't	I, he, she, it	eating? playing? talking?
were weren't	you, we, they	

حالت سوالی و منفی

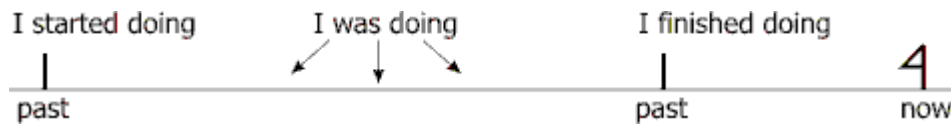
در حالت سوالی فعل be (was, were) در اول جمله و در حالت منفی بعد از آن (was, were) قید منفی not نوشته می‌شود.

کاربرد

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

از زمان گذشته استمراری بیشتر برای بیان کارهایی استفاده می‌شود که در گذشته اتفاق افتاده و مدتی ادامه داشته‌اند ولی حدود زمانی آنها به طور دقیق مشخص یا مهم نیست.

در اغلب موارد گذشته استمراری همراه با گذشته ساده بکار می‌رود. در چنین حالتی، گذشته استمراری بر کارها و فعالیتهای طولانی‌تر (در پس‌زمینه) دلالت می‌کند، در حالی که گذشته ساده بر کارها و فعالیتهایی دلالت می‌کند که در میانه کارهای طولانی‌تر واقع شده‌اند.



بطور کلی «گذشته استمراری» در موارد زیر بکار می‌رود:

1- برای بیان کاری که قبل از زمان خاصی در گذشته آغاز شده و احتمالاً پس از آن نیز ادامه داشته است:

1. 'What were you **doing** at 6.00?' 'I **was having** breakfast.'
(ساعت 6 چکار می‌کردید؟ داشتم صبحانه می‌خوردم.)

2- برای بیان کار یا فعالیتی در گذشته که به وسیله چیزی قطع شده باشد:

1. The phone rang when I **was watching** TV.
(وقتی داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم، تلفن زنگ زد.)
2. While I **was driving** home, my car broke down.
(هنگامیکه داشتم به خانه بر می‌گشتم، ماشینم خراب شد.)

3- برای بیان کار یا فعالیتی به پایان نرسیده در زمان گذشته (در مقایسه با گذشته ساده که کارهای کامل شده را بیان می‌کند):

1. I **was reading** a book during the flight. (I didn't finish it)
2. but: I **read** a book during the flight. (I finished it)

برخی از قیدهایی این زمان عبارتند از :



- 1- **yesterday**
- 2- **last** (night, week, month , year,...)
- 3- (last night, yesterday, last week, ...) **at this time.**

جملات مثبت و منفي :

I, you, we, they he, she, it	had ('d) had not (hadn't)	past participle (قسمت سوم فعل)
---------------------------------	------------------------------	-----------------------------------

جملات پرسشي :

had hadn't	I, you, we, they he, she, it	past participle (قسمت سوم فعل)?
---------------	---------------------------------	------------------------------------

کاربرد

ما از زمان گذشته کامل استفاده می‌کنیم تا نشان دهیم عملی پیش از عمل دیگری در گذشته اتفاق افتاده است (گذشته در گذشته). در واقع گذشته کامل معادل گذشته‌ی زمان حال کامل است. (با گذشته ساده مقایسه کنید)



به مقایسه بین زمانهای حال کامل و گذشته کامل توجه کنید:

حال کامل	گذشته کامل
<p>* We aren't hungry. We've just had dinner. * Who is that man? I've never seen him before.</p>	<p>* We weren't hungry. We'd just had dinner. * I didn't know who he was. I'd never seen him before.</p>

چند مثال دیگر از زمان گذشته کامل:

1. It was the first time he **had** ever **seen** a tiger.
2. When I arrived at the cinema, the film **had** already **begun**.
3. She didn't want to go to the theatre with the others because she'd **seen** the play before.

مقایسه بین گذشته کامل و گذشته ساده

به تفاوت میان جملات زیر دقت کنید:

1. When I arrived home, my wife **went** out.
2. but: When I arrived home, my wife **had gone** out.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

🕒 زمانهای مربوط به آینده

در زبان انگلیسی برای بیان زمان آینده از افعال و حالت‌های مختلفی استفاده می‌شود که آنها را به ترتیب اهمیت در زیر می‌بینید:

will + verb -1

از فعل کمکی will برای نشان دادن آینده در جهت‌های زیر استفاده می‌شود:

الف- پیش‌بینی: برای توصیف چیزی که می‌دانیم، یا انتظار داریم که اتفاق بیفتد:

1. It **will be** rainy tomorrow. (فردا هوا بارانی خواهد بود.)
2. You **will be** sick if you eat all those sweets.
(اگر همه آن شیرینی‌ها را بخوری مریض می‌شوی)

ب- بیان تصمیمی که درست در همان لحظه گرفته شده است:

1. I **will answer** the phone. (من تلفن را جواب می‌دهم.)
2. I'll see you tomorrow. bye! (فردا می‌بینمت. خداحافظ!)

طریقه سوالاتی و منفی کردن این زمان

برای سوالاتی کردن این زمان فعل کمکی will به اول جمله منتقل می‌شود. و برای منفی کردن این زمان بعد از فعل will کلمه ی not اضافه می‌شود که مخفف آن wont می‌باشد.

Will they play football tomorrow? (سوالاتی)

No, they wont play football tomorrow. (جواب منفی)

be + going to + verb -2

الف- از این ساختار برای بیان برنامه‌ها و تصمیماتی که از قبل گرفته شده‌اند، استفاده می‌شود:

1. We're **going to** paint this room blue. (ما می‌خواهیم این اتاق را آبی بزنیم.)
2. I'm **going to** be a doctor. (می‌خواهم یک دکتر بشوم.)

ب- همچنین از این ساختار می‌توان برای بیان یک پیشگویی، مخصوصاً وقتی که بر اساس مدرکی در زمان حال باشد، استفاده نمود.

1. She's **going to** have a baby. (Because she's pregnant)
(او قرار است که یک بچه دنیا بیاورد)
2. It's **going to** rain. (It's cloudy) (می‌خواهد باران ببارد)

طریقه سوالاتی و منفی کردن این زمان

برای سوالاتی کردن این زمان فعل be یعنی (am – are – is) به اول جمله منتقل می‌شود. و برای منفی کردن این زمان بعد از فعل be کلمه ی not اضافه می‌شود.

He is going to wash his car.

Is he going to wash his car? (جمله سوالاتی)

He is not going to wash his car. (جمله منفی)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

بعضی اوقات تفاوتی بین will و be going to برای یک پیش‌بینی وجود ندارد.

توجه !

برای بیان تصمیمی که از قبل گرفته شده است از ساختار be going to و بیان تصمیمی که درست در همان لحظه گرفته شده است از will استفاده می‌کنیم.

3 - حال استمراری (Present Progressive)

از حال استمراری برای بیان یک برنامه یا یک قرار بین افراد در آینده استفاده می‌شود و معمولاً به آینده نزدیک اشاره دارد:

1. **I'm meeting** my friend this evening.
(امروز بعدازظهر دوستم را ملاقات می‌کنم)
2. **They are driving** to Scotland at the weekend.
(آنها آخر هفته به اسکاتلند می‌روند)

گاهی اوقات تفاوتی نمی‌کند که برای بیان یک برنامه یا قرار از حال استمراری و یا از ساختار be going to استفاده شود، به عنوان مثال:

We're going to see a play tonight.
or: **We're seeing** a play tonight.

4- راه‌های دیگر بیان آینده

راه‌های دیگری نیز برای صحبت درباره آینده وجود دارد، به عنوان مثال:

a) Will + be + verb-ing

Next week **I'll be talking** about how to use a microscope.
(هفته آینده درباره نحوه استفاده از میکروسکوپ صحبت خواهم کرد)

b) Be + to + verb

Iranian president **is to visit** Russia.
(رئیس‌جمهور ایران از روسیه بازدید می‌کند)

c) Be + about + to + verb

The mayor **is about to announce** the result of election.
(شهردار به زودی نتایج انتخابات را اعلام خواهد کرد)

برخی از قیدهایی این زمان عبارتند از :

توجه !

tomorrow, next(week, Friday,...), in (five minutes, two days, ...), ...

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

اسم ها

اسم در هر زبانی به طور کلی برای نامیدن شخصی یا حیوانی یا چیزی یا مفهومی به کار می رود که گستردهترین اقسام کلمات را تشکیل می دهند.

بطور کلی در زبان انگلیسی می توان اسمی را در دو دسته طبقه بندی کرد:

اسمهای عام (common nouns)

اسمهای خاص (proper nouns)

اسم عام اسمی است که شامل همه افراد همجنس باشد مانند: man- city- book- girl که شامل هر دختر، کتاب، شهر و مردی می شود.

اسم خاص اسمی است که نشان دهنده فرد یا افرادی مخصوص و معین باشد که از آن شخص یا مکان و ... با آن نوع مشخصات خاص فقط یکی وجود دارد. مانند: Iran - Tehran - Ali - John . ممکن است گفته شود که میلیونها علی در دنیا وجود دارد اما باید توجه داشته باشیم که هیچکدام از علی ها عیناً مثل هم نیستند و هیچ انسان مشابه به هم که صد در صد عین هم باشند وجود ندارد.

باید توجه داشته باشیم که اسمهای خاص طبیعتاً نمی توانند جمع بسته شوند یا علامت مفرد بگیرند. اما اسمهای عام می توانند جمع و مفرد داشته باشند.

در تقسیم بندی دیگر می توانیم اسمها را به دو دسته تقسیم کنیم. اسمی قابل شمارش و اسمی غیر قابل شمارش :

اسمی قابل شمارش آن دسته از اسمی هستند که می توانند شمرده شوند. این بدین معنی است که می تواند بیش از یکی از آنها وجود داشته باشد .

اسمی غیر قابل شمارش اسمی هستند که قابل شمردن نیستند (مانند water یا آب). این اسمی تنها بصورت مفرد بکار می روند و حالت جمع ندارند .

چند مثال

1- اسمی قابل شمارش :

مفرد	جمع
the boy	the boys
an answer	some answers
that car	those cars

2- اسمی غیر قابل شمارش :

بسیاری از مواد و	paper, wood, coal, silk, wool, cotton
فلزات	gold, iron, silver, steel
مواد غذایی	fish, fruit, sugar, meat, cheese, bread
مایعات و گازها	water, oil, milk, tea, air, steam, oxygen
چیزهای دیگر	money, music, noise, land, hair, ice, snow

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

ویژگیهای اسمی قابل شمارش و غیر قابل شمارش

اسمهای قابل شمارش :

- 1- می‌توانند به دنبال **an** ، **a** یا **one** بیایند .
- 2- می‌توانند به دنبال **these** ، **few** ، **many** و **those** بیایند .
- 3- می‌توانند به دنبال یک عدد (مثلاً **two** ، **three** ...) بیایند .

مثال :

غیر قابل شمارش	قابل شمارش
I have a good job .	(not: ... a good work .)
Those meals were delicious.	(not: ... Those foods .)
I bought two loaves .	(not: ... two breads .)

اسمهای غیر قابل شمارش :

- 1- نمی‌توانند با حروف تعریف نامعین (**a** و **an**) بکار روند، بلکه باید با **some** مورد استفاده قرار بگیرند .
- 2- می‌توانند به دنبال **much** و **little** بیایند .
- 3- به راحتی می‌توانند به دنبال اصطلاحاتی از قبیل **most of the** ، **all the** و **half the** بیایند .

مثال :

غیر قابل شمارش	قابل شمارش
It's made of wood .	(not: ... made of trees .)
There's too much traffic .	(not: ... too much vehicle .)
I sold all the furniture .	(not: ... all the table .)

چند نکته

1- می‌توان بسیاری از اسمهای غیر قابل شمارش را با استفاده از بعضی کلمات و عبارات، به قابل شمارش تبدیل کرد. از جمله می‌توان به **a piece of** ، **a bit of** ، **a little bit of** ، **pieces of** و **bits of** اشاره کرد :

1. I bought **a piece of** furniture at the market.
2. I want to give you two **bits of** advice.

2- لغت **news** مانند یک اسم جمع به نظر می‌رسد، ولی در حقیقت یک اسم مفرد غیر قابل شمارش است:

There **is** no important **news** in the newspapers.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

اسمها از نظر تعداد نیز بر دو قسم هستند: اسم مفرد: **Singular** و اسم جمع: **Plural**.

طریقه جمع بستن اسم

بیشتر اسمها قابل شمارش هستند و می‌توانند به صورت جمع درآیند. معمولاً برای اینکه یک اسم مفرد به صورت جمع درآید، یک **-s** به انتهای آن اضافه می‌کنیم:


(cat, cats) (face, faces) (boy, boys)

ولی آن دسته از اسمی که به **s, z, x, ch** یا **sh** ختم می‌شوند، **-es** می‌گیرند:

(bus, buses) (box, boxes) (brush, brushes) (watch, watches)

در ضمن اسمهایی که به یک حرف بی‌صدا و **y** ختم می‌شوند، **y** را حذف کرده و به جای آن **ies** می‌گذاریم:


(baby, babies) (country, countries) (fly, flies) (try, tries)

نکته  ولی چنانچه حرف ماقبل **y** یکی از حروف صدادار (i, a, o, u, e) باشد، کلمه هنگام جمع بستن فقط **s** می‌گیرد.

(boy, boys) (valley, valleys)

بسیاری از اسمهایی که به **-f** یا **-fe** ختم می‌شوند، هنگام جمع این **-f** یا **-fe** به **-ves** تبدیل می‌شود:

مفرد	جمع	معنی
calf	calves	گوساله(ها)
half	halves	نیمه(ها)
knife	knives	چاقو(ها)
leaf	leaves	برگ(ها)
life	lives	جان(ها)
loaf	loaves	قرص(های) نان
shelf	shelves	قفسه(ها)
thief	thieves	دزد(ها)
wife	wives	همسر(ها)
wolf	wolves	گرگ(ها)

نکته  roof و proof و برخی از کلمات دیگر از این قاعده مستثنا هستند و فقط **s** می‌گیرند.

اسامی جمع بی‌قاعده

1- بعضی از اسمها را با تغییر حروف صدادار آنها، به حالت جمع در می‌آوریم :

مفرد	جمع	معنی
man	men	مرد(ها)
woman	women	زن(ها)
mouse	mice	موش(ها)
foot	feet	پا(ها)
tooth	teeth	دندان(ها)
goose	geese	غاز(ها)

2- اسم بعضی از حیوانات در حالت جمع هیچ تغییری نمی‌کند :

deer	آهو(ها)
sheep	گوسفند(ها)
fish	ماهی(ها)

و نیز آن دسته از اسامی ملیتها که به **-ese** یا **-ss** ختم می‌شوند :

a Chinese	یک چینی	two Chinese	دو چینی
one Swiss	یک سویسی	some Swiss	چند سویسی

همچنین آن دسته از اسامی که به اعداد و مقیاسها اشاره می‌کنند، هنگامیکه بعد از یک عدد و ... واقع می‌شوند :

two hundred **three dozen**

3- بسیاری از اسمهایی که ریشه خارجی دارند (مثلاً لاتین، فرانسه یا یونانی)، گاهی حالت جمع خود را حفظ می‌کنند :

مفرد	جمع	معنی
cactus	cacti/cactuses	کاکتوس
octopus	octopi/octopuses	هشت پا
syllabus	syllabi/syllabuses	برنامه درسی
alga	algae	جلبک
larva	larvae	کرم حشره
nebula	nebulae	سحابی
index	indices/indexes	شاخص، توان
analysis	analyses	تجزیه، تحلیل
thesis	theses	پایان نامه

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

صفات

صفات کلماتی هستند که کیفیت و چگونگی افراد، اشیاء، مکانها و ... را بیان می‌کنند. صفت تنها یک حالت دارد؛ یعنی اینکه با اسم مفرد یا جمع، مذکر یا مؤنث بطور یکسان بکار می‌رود:

a **young** man/woman

young men/women

اما تنها موارد استثناء، صفات **this** و **that** می‌باشند که پیش از اسامی جمع به **these** و **those** تبدیل می‌شوند:

مکان صفات

صفات‌ها می‌توانند در موقعیت‌ها و جاهای مختلفی در یک جمله ظاهر شوند که در زیر به مهمترین این موقعیت‌ها اشاره می‌شود:

1- قبل از یک اسم:

a **good** man, an **old** car, the **green** carpet

گاهی بیش از یک صفت، اسمی را توصیف می‌کنند:

a **good young** man, the **beautiful green** carpet

2- پس از فعل **be**:

1. You **are beautiful**.

2. She **is fat**.

3. The bus **is late**.

بجز فعل **be**، افعال دیگری نیز مانند: **look, feel, taste, smell, get, grow, appear, seem** و **become** می‌توانند قبل از صفت قرار بگیرند:

1. It **looks interesting**. (جالب به نظر می‌رسد.)

2. It **is becoming sunny**. (هوا دارد آفتابی می‌شود.)

3- پس از **the**، که در این صورت کلمه اصلی یک عبارت اسمی محسوب می‌شود:

1. **the young** جوانان

2. **the old** پیران

3. **the dead** مردگان

4- بعد از برخی افعال، یک صفت می‌تواند به دنبال مفعول بیاید:

فاعل	فعل	مفعول	صفت
She	kept	her past	secret.
The noise	is driving	me	mad.
I	consider	myself	lucky.
Her behaviour	made	him	angry.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

درجه مطلق صفات

اگر دو شیء یا شخص (ویا دو گروهی از اشیا و افراد) با یکدیگر مساوی و یکسان باشد از **as** صفت **as** استفاده می شود. (مقایسه بین دو شیء یا شخص ویا دو گروهی از اشیا و افراد)

1. My son is as tall as you.
2. This summer is not as hot as last summer.
3. Silver isn't as expensive as gold.

درجه تفضیلی صفات

اگر یک شیء یا شخص (ویا یک گروهی از اشیا و افراد) نسبت به شیء یا شخص دیگری (ویا یک گروهی از اشیا و افراد) برتری داشته باشد در آن صورت از صفت برتری استفاده می شود. (برای مقایسه با صفت برتری از کلمه **than** استفاده می شود)

(الف) اگر صفت یک سیلابی باشد به آخر آن پسوند **er** اضافه می شود.

(tall — taller) (great — greater) (short — shorter)

1. the boy is taller than the girl.
2. Mt Sabalan is higher than Mt Sahand.
3. A city is larger than a town.

چند نکته

1- اگر صفت به یک مصوت + صامت ختم شود حرف صامت تکرار می شود.

(thin — thinner) (hot — hotter) (big — bigger)

2- اگر صفت به مصوت + مصوت + صامت ختم شود حرف صامت تکرار نمی شود.

(great — greater) (poor — poorer)

3- اگر صفت به حرف **e** ختم شود فقط حرف **r** اضافه می شود.

(large — larger)

(ب) صفت هایی که دو سیلاب دارند بطور کلی به اول آنها پیشوند **more** اضافه می شود.

(careful, more careful) (stupid, more stupid) (cautious, more cautious)

صفت های دو سیلابی که به **er, y, ow** ختم می شوند به آخرشان **er** اضافه می شود.

(clever, cleverer) (friendly, friendlier) (pretty, prettier) (narrow, narrower)

(ج) صفت هایی که سه سیلاب دارند بطور کلی به اول آنها پیشوند **more** اضافه می شود.

1. This chair's more comfortable than that one.
2. The restaurant is more expensive than the café.
3. I think Iran is more beautiful than Iraq.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

درجه عالی صفات

اگر يك شیء یا شخص (ویا يك گروهی از اشیا و افراد) نسبت به **چند** شیء یا شخص دیگری (ویا گروهی از اشیا و افراد) مقایسه شود در آن صورت از صفت عالی استفاده می شود. (صفت عالی همیشه با **the** همراه است)

الف) اگر صفت يك سیلابی باشد به آخر آن پسوند **est** اضافه می شود.

(great — the greatest) (small — the smallest) (old — the oldest)

1. Ali is the oldest student in this class.
2. The Amazon is the longest river in the world.

چند نکته

1- اگر صفت به يك مصوت + صامت ختم شود حرف صامت تکرار می شود.

(thin — the thinnest) (hot — the hottest) (big — the biggest)

2- اگر صفت به مصوت + مصوت + صامت ختم شود حرف صامت تکرار نمی شود.

(great — the greatest) (poor — the poorest)

3- اگر صفت به حرف **e** ختم شود فقط حرف **r** اضافه می شود.

(large — the largest)

ب) صفت هایی که دو سیلاب دارند بطور کلی به اول آنها پیشوند **the most** اضافه می شود.

(careful, the most careful) (stupid, the most stupid)

(cautious, the most cautious)

نکته

صفت های دو سیلابی که به **er, y, ow** ختم می شوند به آخرشان **est** اضافه می شود.

(clever — the cleverest) (friendly — the friendliest)

(pretty — the prettiest) (narrow — the narrowest)

ج) صفت هایی که سه سیلاب دارند بطور کلی به اول آنها پیشوند **the most** اضافه می شود.

1. He bought the most expensive flower in the shop.
2. She is the most intelligent of all the students.
3. This is the most beautiful music I have ever heard.

توجه ! صفات بی قاعده

ساده	برتری	عالی
good	better	the best
bad	worse	the worst
little	less	the least
far	farther	the farthest

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

ترتیب صفات

می‌دانیم که صفت‌ها معمولاً قبل از اسم می‌آیند، اما اگر بیش از یک صفت اسمی را توصیف کنند، در اینصورت صفت‌ها معمولاً به ترتیب خاصی قرار می‌گیرند. هر چند ترتیب قرار گیری صفت‌ها پیش از یک اسم همیشه ثابت نیست، اما جدول زیر به شما کمک می‌کند تا نحوه‌ی جاگیری کلی آنها را یاد بگیرید:

	1	2	3	4	5	6	
	بیان عقیده یا احساس	اندازه	سن	رنگ	ملیت	جنس	
a	beautiful			yellow			flower
that	handsome		young		Indian		nurse
those		big				wooden	tables
an			old	white	Persian		cat

❖ قیدها

از قیدها برای اضافه کردن اطلاعاتی به یک عبارت استفاده می‌شود. همچنین قیدها می‌توانند به یک کلمه دیگر از جمله به یک صفت یا قید دیگر نیز اطلاعاتی اضافه کنند که در این صورت معرف (modifier) نامیده می‌شوند.

انواع قید

قیدود اقسام مختلفی دارند که در اینجا به پنج نوع متداول آنها اشاره می‌شود:

1- قید حالت:

well, how, quickly, slowly, hard, fast, angrily, ...

The children are playing **happily**. (بچه‌ها دارند با خوشحالی بازی می‌کنند.)

Snails crawl very **slowly**. (حلزونها خیلی به آرامی می‌خزند.)



2- قید مکان:

up, down, there, here, above, below, near, ...

How long have you been waiting **here**? (شما چه مدتی اینجا منتظر بوده اید؟)

3- قید زمان:

today, yet, still, recently, soon, now, then, ...

You can stay with us until **then**. (می‌توانید تا آن موقع با ما بمانید.)

4- قید مقدار:

very, too, so, quite, much, rather, ...

she is **very** careful. (او خیلی با دقت است.)

5- قید تکرار :

twice, sometimes, often, always, never, ...

Sometimes I write to him. (گاهی به او نامه می‌نویسم)

جای قیدها

سه جا یا مکان اصلی برای قیدها وجود دارد :

1- در ابتدای عبارت (قبل از فاعل) (ابتدایی)

قید	فاعل	عبارت فعلی	+ ...
Sometimes	she	arrives	late.

2- در میانه جمله (میانی) :

الف) بعد از اولین فعل معین:

فاعل	اولین فعل معین	قید	فعلی عبارت بقیه	+ ...
She	has	always	arrived	late.

ب) پس از فعل **be**:

فاعل	BE	قید	+ ...
She	is	always	late.

ج) اگر فعل معینی وجود ندارد، قبل از فعل مسندی (قابل صرف):

فاعل	قید	فعل مسندی	+ ...
She	sometimes	arrives	late.

3- در انتهای عبارت (پایانی):

فاعل	عبارت فعلی	+...	قید
She	arrives	late	sometimes.

در جدول زیر متداولترین مکان قیدها در جملات نشان داده شده است:

مثال	مکان قید	نوع قید
He never drives fast .	پایانی	حالت
We can stay there .	پایانی	مکان
I'll see you tomorrow .	پایانی	زمان
This book is rather boring.	میانی	مقدار
I have never seen him before.	میانی	تکرار

گاهی اوقات ممکن است بیش از یک نوع قید در انتهای جمله ظاهر شود. در این صورت معمولاً ترتیب قرارگیری آنها در جمله بدین صورت خواهد بود:

1- قید حالت 2- قید مکان 3- قید زمان
مثال:

1. You are driving too **fast today**. (به ترتیب قیود حالت و زمان)
2. Sit **quietly here**. (به ترتیب قیود حالت و مکان)

ساختار قید

از لحاظ فرم و ساختار می‌توان قیدها را به سه دسته طبقه بندی کرد:

1- قیدهایی که با اضافه کردن **ly** به یک صفت ساخته می‌شوند، مانند:

(slow → **slowly**) (brave → **bravely**) (quick → **quickly**)

2- قیدهایی که همان ساختار صفات را دارا هستند، یعنی هم می‌توانند به صورت قید به کار روند و هم به صورت صفت. برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

just, well, right, far, forward, early, hard, straight, pretty, little, fast, late, left, backward, deep, direct, near, wrong

3- قیودی که اصلاً ارتباطی با صفات ندارند. مانند:

so, now, very, there, here, too, as, quite

چند نکته املايي

گفتیم که بسیاری از قیدها با اضافه شدن **ly** به یک صفت ساخته می‌شوند. اما همیشه به این سادگی نیست:

1- **y** در انتهای کلمه به **i** تبدیل می‌شود:

gay → **gaily**

2- **e** در انتهای کلمه همچنان باقی می‌ماند:

strange → **strangely**

ولی چند استثنا وجود دارد:

(true → **truly**) (due → **duly**) (whole → **wholly**)

3- در صفاتی که به **able** یا **ible** ختم می‌شوند، **e** در انتهای کلمه حذف می‌شود و **y** جای آن را می‌گیرد:

(probable → **probably**) (possible → **possibly**)

4- صفاتی که به یک حرف با صدا و یک **L** ختم می‌شوند، طبق روش معمول **ly** می‌گیرند:

(actual → **actually**) (general → **generally**)

ضمایر فاعلی

	مفرد	جمع
اول شخص	I	we
دوم شخص	you	you
سوم شخص	he, she, it	they

چند نکته

همه ضمایر شخصی (فاعلی، مفعولی و...) به استثناء *it* در مورد انسان به کار گرفته می‌شوند. (*they*) هم می‌تواند به انسان و هم به اشیاء اشاره کند.
ضمیر **I** همیشه بصورت بزرگ نوشته می‌شود، حتی اگر در وسط یک جمله بکار گرفته شود:

Am **I** right?

ضمایر مفعولی

مفعول	→	فاعل
me	→	I
you	→	you
him	→	he
her	→	she
it	→	it
us	→	we
them	→	they

اگر چه این ضمایر را ضمایر مفعولی می‌نامیم، اما آنها به جز در جای مفعول در هر جای دیگری هم می‌توانند قرار بگیرند، مثلاً بعد از فعل یا بعد از یک حرف اضافه:

1. Our teacher was angry with **us**. (معلممان از دست ما عصبانی بود.)
2. Give **me** a ring tomorrow. (فردا به من زنگ بزن.)
3. When he comes in, please tell **him** I phoned.
(هر وقت آمد، لطفاً به او بگوئید که من زنگ زدم.)
4. I'm older than **you**. (من از تو بزرگترم.)
5. 'I'm hungry.' '**Me** too.' («من گرسنه‌ام.» «من هم همینطور.»)

هنگامیکه از ضمایر شخصی به همراه and استفاده می‌کنیم، مؤدبانه‌تر این است که ضمایر I و we را بعد از اسامی و ضمایر دیگر بکار ببریم:

you and I, my father and I, them and us

همچنین you را باید قبل از اسامی و ضمایر دیگر به کار برد:

you and your wife, you and her

ضمایر ملکی و صفات ملکی

ضمایر ملکی و صفات ملکی نشان می‌دهند که چه چیزی به چه کسی تعلق دارد.

(they)	(we)	(it)	(she)	(he)	(you)	(I)	
their	our	its	her	his	your	my	صفات ملکی
theirs	ours	-	hers	his	yours	mine	ضمایر ملکی

توجه! صفات ملکی همیشه قبل از یک اسم می‌آیند (به همین دلیل صفت نامیده می‌شوند) ولی ضمیر ملکی جانشین صفت ملکی + اسم می‌شود و می‌تواند به تنهایی به عنوان فاعل، مفعول و ... قرار بگیرد (به همین دلیل ضمیر نامیده می‌شود).

چند مثال:

1. This is **my** book. (این کتاب من است.)
This book is **mine**. (این کتاب مال من است.)
2. This is **her** purse. (این کیف اوست.)
This is **hers**. (این مال اوست.)
3. Are those your pens? No, these are **his**. (ضمیر ملکی)

ضمایر انعکاسی

کلماتی که به **self** و **selfes** ختم می‌شوند ضمایر انعکاسی نامیده می‌شوند و عبارتند از:

مفرد (-self)	
خودم	myself
خودت	yourself
خودش	himself
خودش	herself
خودش	itself

جمع (-selfes)	
خودمان	ourselves
خودتان	yourselves
خودشان	themselves

توجه داشته باشید که در ضمایر انعکاسی عمل به فاعل جمله برمی‌گردد و در واقع مفعول همان فاعل است:

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

1. He cut **himself**. (خودش را زخمی کرد.)
2. You should be ashamed of **yourself**. (باید از خودت خجالت بکشی.)
3. Help **yourselves**. (از خودتان پذیرایی کنید.)
4. We blame **ourselves**. (ما خودمان را مقصر می‌دانیم.)

توجه! چنانچه در جمله ی هم مفعول مستقیم و هم مفعول غیر مستقیم داشته باشیم ، محل قرار گرفتن آنها پس از فعل طبق الگوهای زیر می تواند تغییر کند.

مفعول غیر مستقیم + for/to + مفعول مستقیم + فعل + فاعل

مفعول مستقیم + مفعول غیر مستقیم + فعل + فاعل

همانگونه که مشاهده می شود چنانچه مفعول مستقیم بلافاصله بعد از فعل قرار گیرد ، مفعول غیر مستقیم همراه for یا to بکار می رود ولی چنانچه مفعول غیر مستقیم بعد از فعل بکار برده شود ، دیگر نیازی به for یا to نخواهد بود.

Ali bought **a book for himself**.

Ali bought **himself a book**.

نکته! مفعول مستقیم کلمه ای است که فعل مستقیماً بر روی آن صورت می گیرد . مثلاً در جمله ی بالا خریدن بر روی کتاب صورت گرفته است

استفاده از ضمائر انعکاسی برای تأکید

از ضمائر انعکاسی می توان برای تأکید روی یک اسم، ضمیر یا عبارت اسمی استفاده کرد که در این حالت بعد از آنها در جمله قرار می گیرند:

1. **I can do it myself**. (من خودم می توانم این کار را انجام دهم.)
2. **We can repair the roof ourselves**. (ما می توانیم خودمان سقف را تعمیر کنیم.)
3. **The film itself** wasn't very good but I liked the music.
(خود فیلم خیلی خوب نبود ولی از موسیقی آن خوشم آمد.)

◉ ضمائر موصولی

چنانچه کلماتی چون **which-who-whom** و ... بعد از یک اسم و در داخل جمله قرار گیرند همگی به معنای (که) می باشند و ضمیر موصولی محسوب می شوند . در واقع ضمائر موصولی متصل کننده دو جمله می باشند بطوریکه یکی از جملات ، توصیف کننده ی اسم جمله ی دیگر می باشد.

The man teaches English. He came by bus.

The man who came by bus teaches English.

نکته! به جمله ای که بعد از اسم می آید و آن را توصیف می کند ، جمله ی وصفی می گویند .

توجه! در جمله ی وصفی نباید از ضمیر دیگری که به مرجع ضمیر بر می گردد استفاده شود.

The girl whom I was talking to her is my niece. (غلط)

The girl whom I was talking to is a my niece. (صحیح)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

ضمائر موصولی whom _ who

who و whom برای انسان بکار می روند یعنی اسمی که قبل از آنها می آید ، اشاره به انسان دارد با این تفاوت که who حالت فاعلی دارد (جانشین اسم می شود) بنابراین بعد از آن فعل بکار می رود . در حالیکه whom حالت مفعولی داشته (جانشین مفعول می شود) بنابراین بعد از آن فاعل می آید .


فعل + who + اسم (اشاره به انسان)

فاعل + whom + اسم (اشاره به انسان)

1. The man who is walking is my brother.
2. The man whom you saw there was my brother.

ضمیر موصولی Which

Which برای اشیاء بکار می رود بدین معنی که اسمی که قبل از آن قرار می گیرد به اشیاء یا حیوانات اشاره دارد .

نکته  which هم حالت فاعلی و هم حالت مفعولی دارد بدین معنی که پس از آن می توان از فعل و یا از اسم استفاده کرد .

فعل / فاعل + which + اسم (اشاره به شیء یا حیوان)

The shirt which he bought is in the room.

He bought the shirt which is in the room.

نکته  از that می توان بجای سه کلمه ی who-whom و which استفاده کرد .

1. The man that is walking is my brother.
2. The school **that** I went to is in the centre of the city.

◉ ضمائر دیگر

ضمائر اشاره‌ای، شامل: these ، that ، this و those .

Is **this** your T-shirt?

مثال:

ضمائر پرسشی، شامل: when ، where ، why ، what ، who و whatever .

مثال:

What time is it?

ضمائر دوطرفه، شامل: each other و one another .

They love **each other**.

مثال:

ضمائر نامعین، شامل: none ، nobody ، nothing ، somebody ، someone ، something ، anyone ، anybody ، anything و no one .

Nobody knew what to do.

مثال:

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

افعال کمکی (معین)

افعال کمکی یا معین (auxiliary verbs) معمولاً قبل از یک فعل دیگر (فعل اصلی) در جمله قرار می‌گیرند و کارشان کمک به فعل اصلی جمله در تشکیل عبارات فعلی می‌باشد.

افعال کمکی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود:

be(am, is, are ,was , were ,be , been), have, do	افعال کمکی اصلی
will can may shall have to must would could might should had to ought to used to	افعال کمکی وجهی

ویژگیهای افعال کمکی

الف) افعال کمکی اصلی

حالت سوم شخص مفرد (-s form)، گذشته ساده و اسم مفعول (قسمت سوم فعل) آنها نامنظم (بی قاعده) است:

	-S FORM	PAST TENSE	PAST PARTICIPLE
be:	is	was / were	been

ب) افعال کمکی وجهی

1- در حالت سوم شخص مفرد (بر خلاف افعال معمولی) -s نمی‌گیرند:

1. She **can** play the piano quite well. (not: She ~~can~~s...)
2. He **must** work harder. (not: He ~~must~~s...)

2- در جملات پرسشی و منفی، از فعل کمکی دیگری استفاده نمی‌کنند:

What **would** you buy if you won the lottery?
(not: What ~~did you would~~ buy ...)

3- هیچگاه **to** بعد از آنها قرار نمی‌گیرد به استثنای (used to و ought to)

You **should** phone the police immediately. (not: you ~~should to~~ phone ...)

4- هیچگاه **-ed** یا **-ing** نمی‌گیرند: **musting, musted**

5- هیچگاه با همدیگر به کار برده نمی‌شوند:

~~I might could~~ wash the car.

قابلیت های مختلف افعال کمکی

1- برای منفی کردن یک جمله کافی است پس از فعل کمکی، **not** اضافه کنید و یا از حالت مخفف آن استفاده کنید:

She **will** come → She **will not (won't)** come.

2- برای پرسشی کردن یک جمله، فعل کمکی را قبل از فاعل جمله قرار دهید:

She **will** come → **Will** she come?

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

3- گاهی می‌توان فعل اصلی پس از فعل کمکی را حذف کرد به شرط آنکه معنی آن (با توجه به شرایط) واضح باشد:

1. 'Will she come tonight?' 'No, she **can't**.' (= 'she can't come.')
2. 'I've never been to China. **Have** you?'

بعد از افعال کمکی وجهی همیشه فعل اصلی بصورت مصدر بدون to نوشته می‌شود. **توجه!**

He can ride the bicycle.

~~He can rides the bicyele.~~

جملات شرطی

جملات شرطی شامل دو قسمت می‌باشند: یکی عبارت شرطی و دیگری عبارت اصلی. عبارتی که حاوی **if** باشد را عبارت شرطی و عبارت دیگر را عبارت اصلی می‌نامیم. رویدادی که در عبارت اصلی توصیف می‌شود بستگی به شرطی دارد که در عبارت شرطی بیان می‌شود.

If it rains this evening,	we will get wet.
عبارت شرطی	عبارت اصلی

عبارت شرطی می‌تواند در انتهای جمله نیز بیاید، ولی در این صورت علامت ویرگول (,) حذف می‌شود:

The door opens	if you press this button.
عبارت اصلی	عبارت شرطی

به طور کلی سه نوع جمله شرطی وجود دارد:

- جملات شرطی نوع اول
- جملات شرطی نوع دوم
- جملات شرطی نوع سوم

جملات شرطی نوع اول

از جملات شرطی نوع اول برای بیان یک شرط (یا موقعیت) ممکن و یک نتیجه محتمل در آینده استفاده می‌شود.

if	ساده حال	will/won't	to مصدر بدون
if	I work hard,	I will	pass my exams.

1. **If I find** your watch, I **will** tell you. (اگر ساعت شما را پیدا کنم به شما خواهم گفت.)
2. **If we leave** now, we'll catch the 10.30 train. (اگر حالا حرکت کنیم به قطار ساعت 10:30 می‌رسیم)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

3. **If I see him, I'll tell him the news.** (اگر او را ببینم خبرها را به او خواهم گفت.)
 4. **You'll get wet if you don't take an umbrella.** (اگر چتر نبری خیس خواهی شد.)

توجه! علاوه بر will می‌توان از should, must, can, might, may و غیره نیز استفاده کرد که در این صورت معنی آن کمی فرق خواهد کرد:

1. **If you pull the cat's tail, it may scratch you.**
 (اگر دم گربه را بکشی ممکن است تو را چنگ بزند)
 2. **You should eat less rice if you want to lose weight.**
 (اگر می‌خواهی وزن کم کنی باید کمتر برنج بخوری)

جملات شرطی نوع دوم

از جملات شرطی نوع دوم برای بیان یک شرط یا موقعیت غیر واقعی یا غیر ممکن و نتیجه محتمل آن در زمان حال یا آینده بکار می‌رود. در واقع در این نوع جملات حال یا آینده‌ای متفاوت را تصور می‌کنیم.

if	ساده گذشته	would ('d) would not (wouldn't)	مصدر بدون to
if	I had more money, I	would ('d)	buy a new car.
if	you lived in England,	would ('d)	soon learn

چند مثال دیگر:

1. **If he needed any money, I'd lend it to him.** (But he doesn't need it)
 (اگر به پول احتیاج داشت به او قرض می‌دادم)
 2. **If I had more time, I'd help you.** (اگر وقت بیشتری داشتم به شما کمک می‌کردم)
 3. **If I were* a rich man, I'd buy an expensive car.**
 (اگر ثروتمند بودم یک ماشین گرانبه‌ای می‌خریدم)
 4. **I wouldn't accept the job (even) if they offered it to me.**
 (اگر آن کار را به من پیشنهاد می‌کردند قبول نمی‌کردم)

توجه!

*در این نوع جملات، اغلب بجای was از were استفاده می‌شود:

If I were living in Tehran, we could meet more often.

جملات شرطی نوع سوم

از این نوع جملات شرطی برای تصور گذشته‌ای غیر ممکن استفاده می‌شود. در واقع در این نوع جملات، گوینده آرزوی یک گذشته متفاوت را دارد. (ولی به هر حال گذشته‌ها گذشته!)

if + ... + (p.p.) قسمت سوم فعل + would have + گذشته کامل

1. **If I'd seen you, I would have said hello.** (اگر تو را دیده بودم، سلام می‌دادم.)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

2. **If he had driven** more carefully, he **wouldn't have been injured**.
(اگر با دقت بیشتری رانندگی کرده بود، مجروح نمی‌شد)
3. **If I had known** you were in hospital, I **would have gone** to visit you.
(اگر می‌دانستم شما در بیمارستان بستری بودید می‌آمدم و شما را ملاقات می‌کردم)
4. I **would have gone** to see him **if I had known** that he was ill.
(اگر می‌دانستم بیمار بود می‌رفتم و به او سر می‌زدم)

چند نکته

1- در این نوع جملات می‌توان بجای would از could یا might هم استفاده کرد :

If the weather hadn't been so bad, we **could/might** have gone out.

2- از would فقط می‌توان در عبارات اصلی استفاده کرد و در عبارات شرطی نباید آن را به کار برد:

If I had seen you, I would have said hello. (not : 'If I would have seen you')

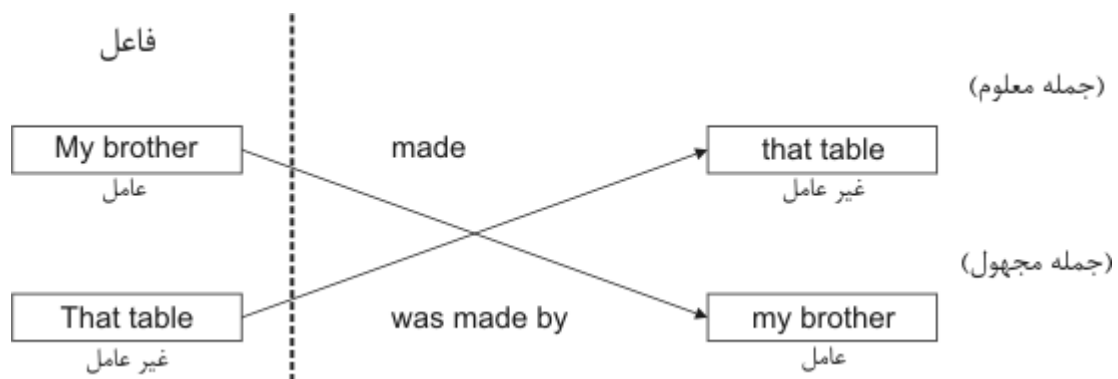
افعال مجهول (the passive voice)

در جملات معلوم (active)، فاعل به عامل یا کننده عمل فعل دلالت دارد. در واقع ما از افعال معلوم برای بیان اینکه فاعل چه کاری را انجام دهد استفاده می‌کنیم. به این مثالها توجه کنید:

1. The dog **chased** the cat. (سگ گربه را دنبال کرد)

2. My father **built** this house in 1960. (پدرم این خانه را در سال 1960 ساخت)

ولی جملات مجهول (passive) به ما این اجازه را می‌دهند که کسی یا چیزی را که کننده یا انجام دهنده عملی نیست (غیر عامل) در جای فاعل قرار دهیم. در واقع از افعال مجهول برای بیان اینکه چه عملی بر روی فاعل اتفاق می‌افتد، استفاده می‌شود :



1. The cat **was chased** by the dog. (گربه توسط سگ دنبال شد)

2. This house **was built** in 1960. (این خانه در سال 1960 ساخته شد)

هنگام استفاده از حالت مجهول، توجه داشته باشید که در اغلب موارد اینکه چه کسی یا چه چیزی عمل را انجام می‌دهد نا معلوم یا بی‌اهمیت است. مثلاً در جمله زیر اینکه چه کسی اتاق را تمیز می‌کند برای گوینده اهمیتی ندارد :

This room **is cleaned** every day. (این اتاق هر روز تمیز می‌شود)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

ولی اگر بخواهیم بیان کنیم که چه کسی (یا چه چیزی) آن عمل را انجام داده است، در این صورت باید از حرف اضافه **by** استفاده کنیم :

1. This house **was built by** my father. (این خانه توسط پدرم ساخته شد)
2. This picture **was painted by** a great painter.
(این نقاشی توسط یک نقاش بزرگ کشیده شده)

ساختار

بطور کلی برای ساخت صیغه مجهول فعل معلوم، فعل to be را به همان زمان فعل معلوم می‌آوریم و اسم مفعول همان فعل را به آن می‌افزاییم :

1. معلوم: Somebody **cleans** this room every day.
مجهول: This room **is cleaned** every day.
2. معلوم: He **bought** this car last week.
مجهول: This car **was bought** last week.

در جدول زیر می‌توانید فهرست افعال معلوم و معادل مجهول آنها را ملاحظه کنید :

مجهول	معلوم	زمان
is kept نگهداری می‌شود	keeps نگه می‌دارد	حال ساده
is being kept در حال نگهداری شدن است	is keeping دارد نگه می‌دارد	حال استمراری
was kept نگهداری شد	kept نگه داشت	گذشته ساده
was being kept در حال نگهداری شدن بود	was keeping داشت نگه می‌داشت	گذشته استمراری
has been kept نگهداری شده است	has kept نگه داشته است	حال کامل
had been kept نگهداری شده بود	had kept نگه داشته بود	گذشته کامل
will be kept نگهداری خواهد شد	will keep نگه خواهد داشت	آینده
would be kept نگهداری می‌شد	would keep نگه می‌داشت	شرطی
would have been kept نگهداری شده بود	would have kept نگه داشته بودند	شرطی کامل

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

to be kept نگهداری شدن	to keep نگه داشتن	مصدر
to have been kept نگهداری شدن	to have kept نگه داشتن	مصدر حال کامل
being kept نگهداری شدن	keeping نگهداری	وجه مصدری اسم مصدر

عبارت اسمی (Noun Clause)

یک عبارت اسمی مجموعه ای از کلمات است که بجای یک اسم در جمله بکار می رود. یک عبارت اسمی و آغاز می شود. **who – whom – what – where – when – whose – why** با کلماتی نظیر شود که به آنها کلمات ربط (قیود ربط) گفته می شود .

I don't know where Bob went last night.

بقیه جمله + فعل + فاعل + کلمه ربط

عبارات اسمی می توانند در نقش فاعل یا مفعول جمله بکار روند .

به جای فاعل	به جای مفعول
His house is beautiful. <u>Where he lives</u> is beautiful.	I don't know the answer . I don't know <u>what the answer is</u> .
Her speech was very good. <u>What she said</u> was very good.	I know him . I know <u>whom he is</u> .

چنانچه در مثالهای بالا دقت شود ترتیب قرار گرفتن کلمات در عبارات اسمی همانند جملات مثبت خبری است یعنی بعد از کلمات ربط ابتدا فاعل و سپس فعل بکار می رود .

نکته در پاره ای موارد کلمات ربط بجای فاعل قرار می گیرند که در این صورت بعد از آنها فعل بکار می رود .

I know **Ali** borrowed my book.

I know who borrowed my book .

یادآوری : فقط سه کلمه ربط **who – what – which** و نیز مشتقات آنها می توانند چنین حالتی داشته باشند یعنی بجای فاعل بکار روند .

نکته تفاوت **who** و **whom** در این است که **who** حالت فاعلی دارد یعنی جایگزین فاعل می شود بنابراین بعد از آن فعل بکار می رود در صورتیکه **whom** حالت مفعولی دارد و بجای مفعول می نشیند و بعد از آن فاعل بکار می رود .

1. I know who saw you .

من می شناسم کسی که شما را دید .

2. I know whom you saw.

من می شناسم کسی را که شما دیدید .

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

یادآوری: در انگلیسی محاوره ای می توان بجای whom از who استفاده کرد. ولی در انگلیسی رسمی به همان صورتی که در بالا بیان شد بکار می روند.

She knows **who(m)** they met.

یادآوری: در سال اول دبیرستان با عباراتی آشنا شدید که با کلمه ی that شروع می شدند که می توان آنها را با کلمات ربط تغییر داد.

1. I know **that Ali** is a good student . I know **who** is a student.
2. I know **that** they are going **to school**. I know **where** they are going

🔗 افعال دو کلمه ای

در انگلیسی گاهی بعضی از افعال با یک یا چند حرف اضافه ترکیب شده و افعال جدیدی را بوجود می آورند.

turn	چرخیدن	look	نگاه کردن
turn on	روشن کردن	look after	مراقب بودن
turn off	خاموش کردن	look for	جستجو کردن
turn up	زیاد کردن	look forward	چشم براه بودن

همانگونه که بیان شد افعال دو کلمه ای از یک فعل اصلی و یک یا چند حرف اضافه تشکیل می شوند که به دو دسته ی **افعال دو کلمه ای جدانشدنی** و **افعال دو کلمه ای جدانشدنی** تقسیم می شوند.

افعال دو کلمه ای جدا شدنی

چنانچه افعال دو کلمه ای شرایط زیر را داشته باشند، می توان آنها را از یکدیگر جدا کرد.

الف) متعدی باشند یعنی بعد از آنها مفعول بکار رفته باشد.

ب) حرف اضافه ی آنها یکی از حروف اضافه ی **over-back-down-up-out-in-off-on** باشد.

تذکر: در اینگونه از افعال دو کلمه ای چنانچه مفعول بصورت اسم باشد آنرا می توان هم پس از حرف اضافه و هم قبل از حرف اضافه بکار برد ولی اگر مفعول بشکل ضمیر مفعولی باشد، حتماً می بایست آنرا قبل از حرف اضافه بکار برد.

turn on	روشن کردن	put on	پوشیدن
turn off	خاموش کردن	take off	در آوردن
turn up	بلند کردن صدا	give back	بر گرداندن
turn down	کم کردن صدا	wake up	بیدار کردن
pick up	برداشتن	call up	تلفن کردن

1. He is **putting on his shoes**.
2. He is **putting his shoes on**.
3. He is **putting them on**.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

افعال دو کلمه ای جدانشدنی

الف) چنانچه افعال دو کلمه ای لازم باشند که در این صورت بعد از آنها مفعول بکار نمی رود .
ب) یا اینکه حرف اضافه ی متعاقب فعل ، غیر از حروف اضافه ی فوق باشد که در اینصورت فعل و حرف اضافه ی آن بهیچ وجه جدا نمی شوند و در این حالت مفعول چه بشکل اسم و چه بشکل ضمیر بعد از حرف اضافه قرار می گیرد .

look for	جستجو کردن	talk with	صحبت کردن با
look after	مراقبت کردن از	talk about	صحبت کردن درباره
waite for	منتظر ماندن	think about	فکر کردن درباره
listen to	گوش دادن به	look at	نگاه کردن به

1. He is looking for his son.
2. He is looking for him.

اسم مصدر (Gerund)

در انگلیسی اسم مصدر را با اضافه کردن **ing** به انتهای شکل ساده فعل بوجود می آورند . اسم مصدر در جمله همانند اسم عمل می کند .

smoking – swimming – speaking – watching

موارد استفاده از اسم مصدر به شرح زیر می باشد :

1- به عنوان ابتدای جمله

Learning English is not difficult.

2- به عنوان مفعول جمله که در این حالت پس از برخی از افعال بکار می رود .

I like swimming in the river.

توجه ! افعالی که پس از آنها می توان از اسم مصدر استفاده کرد عبارتند از :

avoid – enjoy – finish – imagine – keep – mind – miss – like – stop – mind – dislike – go on , ...

توجه ! پس از برخی از افعال هم می توان از اسم مصدر و هم از مصدر با to استفاده کرد . تعدادی از این افعال عبارتند از :

allow – begin – forget – mean – like – prefer – remember – agree

He likes **to go / going** to the park.

3- پس از حروف اضافه مانند : (on – in – at – from – of) از اسم مصدر استفاده می شود.


I am tired **of sitting** here.

4- پس از ترکیبات زیر از اسم مصدر استفاده می شود .

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

It's no good – It's no use – can't help – can't stand

It is no good going outside in this rainy day.

اسم مصدر می تواند به تنهایی یا همراه یک عبارت بکار رود . نکته 

1. **Learning** is easy.
2. **Learning English** is easy.
3. **Learning English at school** is easy.

◉ ضمائم پرسشی (Question Tags)

ضمائم پرسشی پرسشهای کوتاهی هستند که به انتهای یک جمله (در انگلیسی محاوره‌ای) افزوده می‌شوند که برای تأکید یا تعجب مطالب گفته شده بکار می‌رود
به جملات زیر دقت کنید:

1. You are a teacher, **aren't you?**
(شما یک معلم هستید، اینطور نیست؟)
2. Farhad works hard, **doesn't he?**
(فرهاد سخت کار می‌کند، اینطور نیست؟)

در مثالهای بالا **aren't you** و **doesn't he** ضمائم پرسشی هستند.

قواعد ساختن ضمائم پرسشی

1- ضمائم پرسشی از دو کلمه ساخته می‌شوند: یک ضمیر فاعلی پس از یک فعل کمکی:

جمله اصلی	پرسشی ضمیمه +
Tom is a student	, <u>isn't</u> <u>he</u>?
	ضمیر فاعلی، فعل کمکی

2- فاعل آن با فاعل جمله اصلی مطابقت می‌کند:

1. **Jim** plays football, **doesn't he?**
2. **The students** will be arriving soon, **won't they?**

3- فعل کمکی آن با فعل کمکی جمله اصلی مطابقت می‌کند، با این تفاوت که:

الف- اگر جمله اصلی مثبت باشد، «ضمیمه پرسشی» منفی، و اگر جمله اصلی منفی باشد «ضمیمه پرسشی» مثبت خواهد بود.

1. It **wasn't** an interesting film, **was it?**
2. They **will** finish their job, **won't they?**
3. You **wouldn't** tell anyone, **would you?**

ب- اگر هیچ نوع فعل کمکی در جمله اصلی وجود نداشت از **do** ، **does** و یا **did** با توجه به زمان جمله استفاده می‌کنیم:

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

1. She **plays** the piano, **doesn't** she?
2. You **look** well today, **don't** you?
3. You **sold** your car, **didn't** you?

چند نکته

- 1- جمله ی اصلی و سوال ضمیمه بوسیله کاما از یکدیگر جدا می شوند .
- 2- چنانچه در جمله ی مثبت از **I am** استفاده شده باشد در سوال ضمیمه از **aren't I** استفاده میشود.
I am a good student , aren't I ?

نقل قول (Reported speech)

هنگامیکه میخواهیم گفته‌های شخص دیگری را نقل کنیم، می‌توانیم از دو حالت مختلف استفاده کنیم:

- 1- می‌توانیم گفته‌های شخص مورد نظر را عیناً (واو به واو) تکرار کنیم (نقل قول مستقیم):
1. **She said, 'It is raining.'**
- 2- یا می‌توانیم از نقل قول غیر مستقیم استفاده کنیم:
2. **She said that it was raining.**

در مثال زیر به تغییرات ایجاد شده خوب دقت کنید:

مستقیم: He said, 'I am going to learn French.'
غیر مستقیم: He said that he was going to learn French.

چند نکته

- 1- در نقل قول غیر مستقیم همیشه می‌توانیم **that** را حذف کنیم :
1. I told her (that) I wasn't hungry.
2. He said (that) he was feeling ill.
- 2- پس از **tell** حتماً باید نام شخص مخاطب (اسم یا ضمیر) ذکر شود ولی پس از **say** چیزی نمی‌آید :

He **told her** that ...

He **said** that ...

TELL SOMEBODY
SAY SOMEBODY

جدول تغییرات از نقل قول مستقیم به غیر مستقیم

در نقل قول غیر مستقیم، فعل اصلی جمله معمولاً زمان گذشته است و نیز افعال موجود در بقیه جمله هم باید به زمان گذشته تبدیل شوند. این تغییرات به شرح زیرند:

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

مثال	غیر مستقیم	→ مستقیم
'I love you,' he said. → He told her that he loved her.	گذشته ساده	→ حال ساده
'I'm talking on the phone,' she said. → She said that she was talking on the phone.	گذشته استمراری	→ حال استمراری
He said, 'The rain has stopped '. → He said that the rain had stopped .	گذشته کامل	→ حال کامل
He said, 'I've been reading for 3 hours.' → He said that he had been reading for 3 hours.	گذشته کامل استمراری	→ حال کامل استمراری
He said, 'I met him in the theatre.' → He said he had met him in the theatre.	گذشته کامل	→ گذشته ساده
'I was driving carefully,' he told the police. → He told the police he had been driving carefully.	گذشته کامل استمراری	→ گذشته استمراری

چند نکته

1- اگر در جمله نقل قول مستقیم از گذشته کامل استفاده شده باشد، در جمله نقل قول غیر مستقیم تغییری ایجاد نمی‌شود:

Tom said, 'when I arrived, she **had gone**.' → Tom said when he had arrived, she **had gone**.

2- همیشه مجبور نیستیم که فعل را در جمله نقل قول غیر مستقیم تغییر دهیم. اگر ما چیزی را نقل قول کنیم که همچنان صحیح می‌باشد، دیگر نیازی به تغییر فعل (از زمان حال به گذشته) نیست. مثلاً:

'He **loves** ice-cream,' his mother said. → His mother said that he **loves** (or **loved**) ice-cream. (he still loves ice-cream)

در مثال بالا پر واضح است که او (he) همچنان به بستنی علاقمند است و دلیلی ندارد این علاقمندی تغییر کرده باشد.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

افعال کمکی وجهی در نقل قول غیرمستقیم

در نقل قول غیرمستقیم افعال کمکی وجهی will، can، may و shall به would، could، might و should تبدیل می‌شوند. یعنی:

نقل قول مستقیم	تبدیل می‌شود به →	نقل قول غیرمستقیم
WILL, CAN, MAY, SHALL		WOULD, COULD, MIGHT, SHOULD

مثال:

- 'I **will** sell my car,' he told me.
He told me that he **would** sell his car.
- 'I **can** help you,' he said.
He said he **could** help me.
- 'The teacher **may** be ill,' he said.
He said that the teacher **might** be ill.

ولی افعال کمکی used to، ought to و must در جملات نقل قول غیرمستقیم تغییری نمی‌کنند:

- I told her that I **used to** smoke twenty a day.

تغییرات لازم دیگر در نقل قول غیرمستقیم

در نقل قول غیرمستقیم علاوه بر تغییراتی که در افعال صورت می‌گیرد، در بعضی دیگر از اقسام کلمه، از جمله قیدها نیز تغییراتی ایجاد می‌شود که در جدول زیر بعضی از آنها را می‌بینید:

→ مستقیم	غیرمستقیم
this	that
these	those
here	there
now	then
today	that day
yesterday	the previous day / the day before
tomorrow	the next day / the following day
next week / year ...	the following week / year ...
last week / year ...	the previous week / year ...

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

کاربردهای It

It در انگلیسی کاربردهای متعددی دارد که به برخی از آنها در زیر اشاره می شود.

1- اشاره به شیء مفرد

There is a **car** in the street. **It** is blue.

2- اشاره به زمان

2. **It is Monday.**

3. **It is 2 o'clock.**

3- اشاره به هوا

It is raining. It is cold.

4- اشاره به مسافت

It is 110 Kms from here to Tabriz.

5- اشاره به شخص نامشخص

Who is **it** on the phone?

6- کاربرد در فرمول زیر

بقیه جمله + مصدر با **to** + صفت + **is / was** + **It**

It is easy to learn English.

یکی از کاربردهای it استفاده در فرمول زیر می باشد که نشان دهنده یک امر کلی و عمومی می باشد.

بقیه جمله + مصدر با **to** + صفت + **is / was** + **It**

1. It is important to learn a foreign language.

2. It is dangerous to swim in the river.

3. It was difficult to climb a tall tree.

چنانچه بخواهید شخص خاصی را مورد نظر قرار دهید از فرمول زیر استفاده می کنید.

بقیه جمله + مصدر با **to** + (مفعول + **for**) + صفت + **is / was** + **It**

1. It is necessary for you to come on time.

2. It was easy for Ali to speak English.

نکاتی درباره ی **no-any-some****Some**

به معنی مقداری یا تعدادی صفت مقدار می باشد و می تواند قبل از اسمهای قابل شمارش جمع و همچنین قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بکار رود .

1. I have some books.
2. I have some money.

Some اغلب در جملات مثبت بکار می رود و معادل آن در جملات منفی و سوالی کلمه ی **any** به معنی هیچ یا اصلاً می باشد . توضیح اینکه **any** همانند **some** می تواند هم قبل از اسمهای قابل شمارش جمع و هم قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بکار رود .

1. There are some pens on the table.
2. There are not any pens on the table.
3. Are there any pens on the table?

توجه! در جملات منفی می توانیم ترکیب **not any** را حذف کرده و بجای آنها کلمه ی **no** را قرار دهیم . **no** نیز همانند **some** و **any** هم قبل از اسمهای قابل شمارش جمع و هم قبل از اسمهای غیر قابل شمارش بکار می رود .
تذکر 2 : **no** در جملات مثبت بکار می رود ولی به جمله مفهوم منفی می بخشد .

1. There are not any pens on the table.
There are no pens on the table.

2. I did not drink any milk.
I drank no milk.

توجه! کلمات مرکبی که با **any – some** و **no** ساخته می شوند نیز از قوانین فوق پیروی می کنند.

somebody – someone - something

anybody – anyone - anything

nobody - no one - nothing

1. I see somebody in the library.
2. She didn't eat anything.
3. You will say nothing.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

نکاتی پیرامون also – too و as well

هر سه کلمه فوق به معنای «همچنین» می باشند با این تفاوت که also رسمی تر از بقیه می باشد و معمولاً قبل از افعال اصلی و بعد از افعال کمکی به کار می رود.

1. He speaks French and he also writes it.

2. She was rich and she was also selfish.

ترجیحاً هنگامیکه فعل مورد تأکید است از also قبل از آن استفاده می شود.

I can also swim.

در جمله فوق اشاره می شود که علاوه بر فعالیت های دیگر قادر به شنا کردن هم هستیم.

دو کلمه too و as well بیشتر در پایان عبارت بکار می روند.

I've read the book and I've seen the film as well/too.

چنانچه بخواهیم فاعل را مورد تأکید قرار دهیم بلافاصله بعد از آن از too استفاده می شود.

I, too, can swim.

سه کلمه also - too و as well در جملات مثبت بکار می روند و در جملات منفی می توان از either ... not یا neither ... nor در جملات مثبت ولی با مفهوم منفی استفاده کرد.

1. They haven't phoned and they haven't written either.

2. I don't want to go either.

3. Neither you nor I know what happened.

4. We like neither the American design nor the European one.

چنان که اشاره شد با تغییر موقعیت too معنی جمله تغییر می کند.

She, too, understands English.

She understands English, too.

جمله اول بدین معناست که او هم مانند دیگران انگلیسی را می فهمد در حالیکه جمله دوم بدان معناست که او علاوه بر زبان های دیگر، انگلیسی را هم می فهمد.

as well تنها در پایان جمله بکار می رود و پس از آن چیزی قرار نمی گیرد در حالیکه پس از as well as میتوان شخص یا چیز مورد نظر را ذکر کرد.

1. Are they coming as well?

2. He gave me money as well as advice.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

حرف تعریف معین (Definite article)

به طور کلی باید بدانیم حرف تعریف the همانطور که از اسم آن برمی آید یک حرف معرفه ساز (شناختساز) است .

اسم معرفه (known) در مقابل اسم نکره (unknown) قرار دارد. اسم معرفه اسمی است که برای خواننده یا شنونده شناخته شده باشد. البته این شناخته شدن به معنای شناخت سال تولد یا شماره شناسنامه کسی نیست همینکه اسمی یک بار به گوش از سوی گوینده یا نویسنده به گوش با چشم ما بخورد اگر برای بار دوم آن اسم مورد استفاده قرار گیرد تبدیل به معرفه میشود. یعنی بار اول نکره و بار دوم معرفه. (پسری را در در پارک دیدم. پسر فوتبال بازی میکرد.)

پسری نکره است و پسر معرفه است. در زبان فارسی علامت نکره (ناشناسا) یک در اول و ی در آخر است. علامت معرفه نداشتن علامت است! مقایسه کنید: مردی و مرد- کتابی و کتاب.

حرف تعریف معین شامل the می باشد که همواره پیش از اسامی مفرد و جمع، یا پیش از اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش به یک صورت بکار می رود. در جدول زیر به تفاوت بین the و a دقت کنید:

	قابل شمارش مفرد	قابل شمارش جمع	غیر قابل شمارش
معین	the cat	the cats	the water
نامعین	a cat	cats	water

موارد کاربرد حرف تعریف معین (the)

1- وقتی که قبلاً به چیزی اشاره کرده باشیم:

We saw a strange bird at the zoo. **The bird** was blue!

(پرنده عجیبی در باغ وحش دیدیم. آن پرنده آبی بود!)

2- وقتی که هم گوینده و هم شنونده می دانند که درباره چه صحبت می شود، حتی اگر قبلاً به آن اشاره ای نشده باشد:

'Where's **the** dog?' 'It's in the garden.'

(سگ (یا سگه) کجاست؟ در باغچه است.)

3- وقتی که به چیزهایی اشاره می کنیم که می دانیم تنها یکی از آن وجود دارد:

the sun, the earth, the moon, the sky, the stars, the sea, the South Pole

4- قبل از اسمی که به واسطه کلماتی که بعد از آن می آیند شناخته می شود:

1. **The** hotel where I stayed was excellent.

(هتلی که در آن اقامت داشتم عالی بود.)

2. **The** man sitting over there is my husband.

(مردی که آنجا نشسته است شوهر من است.)

3. **The** car that I bought last week has broken down.

(است هفته قبل خریدم خراب شده ماشین منی که)

5- قبل از صفات عالی، اعداد ترتیبی، only و same:

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

the highest mountain, **the first** time, **the last** chapter, **the same** colour, **the only** child

6- همراه با صفات برای اشاره به یک گروه یا طبقه از مردم:

the young (جوانان) **the old** (پیران) **the poor** (فقرا) **the unemployed** (بیکاران)
the English (انگلیسیها) **the Japanese** (ژاپنیها)

7- پیش از اسامی کتابخانه ها، موزه ها، و هتل ها :

"**the** Forty-Second Street Library", "**the** Louvre", "**the** Statler Hotel"

8- پیش از بعضی از قسمتهای روز :

"in **the** morning", "in **the** afternoon", "in **the** evening"

توجه: حرف تعریف **the** تنها قبل از این بخشهای روز استفاده میشود. برای کلماتی مثل **night** یا **midnight** یا **noon** از **the** استفاده نمیکنیم.

"at noon", "at night", "at midnight"

توجه !

تنها برخی از اسامی ملتها دارای یک صفت مانند **English** و **Spanish** هستند. برای بقیه ملتها از یک اسم که به **s-** ختم می شود، استفاده می کنیم، مانند **the Indians** و **the Iranians**

9- به همراه برخی از اسامی جغرافیایی مانند رشته کوهها، مجمع الجزایرها، دریاها، اوقیانوسها، رودخانه ها و...:

رشته کوههای آند	the Andes	
اوقیانوس هند	the Indian Ocean	
خلیج فارس	the Persian Gulf	
جزایر قناری	the Canary Islands	
دریای سرخ	the Red Sea	
کانال سوئز	the Suez Canal	
رودخانه تامز	the (River) Thames	
صحرای آفریقا	the Sahara (Desert)	



حذف حرف تعریف معین (the)

در موارد زیر حرف تعریف **the** مورد استفاده قرار نمیگیرد:

1- به همراه اسم افراد:

Ann, James, Brian Jackson


نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

ولی آنجا که اسامی افراد بصورت جمع می‌آید از the استفاده می‌کنیم:

خانواده اسمیت the Smiths, خانواده جانسون the Johnson's

2 - قبل از اسم مکانها، البته به جز مواردی که در بالا به آنها اشاره شد. به عنوان مثال:

قاره‌ها	Asia, Africa, Europe, North America
کشورها	Brazil, Japan, Pakistan
جزیره‌ها (و نه مجمع‌الجزایرها)	Sicily, Bermuda, Kish
شهرها	London, Tehran, Cairo
کوهها (و نه رشته‌کوهها)	Everest, Alborz, Kilimanjaro

نکته 

تنها در مورد اسم کشورهایی که مفرد باشند **the** حذف می‌شود. پیش از اسم کشورهایی که حالت جمع دارند از **the** استفاده می‌کنیم:

the United States, the Netherlands, the United Arab Emirates

همچنین اگر بخواهیم در اسامی کشورها از کلماتی از قبیل Republic ، Kingdom و غیره استفاده کنیم باز هم باید **the** را بکار ببریم:

the Czech Republic, the United Kingdom

3- به همراه اسم زبانها:

Farsi, English, French, Arabic

4- به همراه اسم وعده‌های غذایی مانند صبحانه و ...:

breakfast, dinner, lunch

5- در مورد جاهایی مانند bed, sea, work, prison, court, hospital, church, school و ... اگر منظور ما کلی باشد، در اینصورت از the استفاده نمی‌شود:

I go to **school** by bus.

من با اتوبوس به مدرسه می‌روم. («مدرسه» به طور کلی و نه یک مدرسه خاص)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

حرف تعریف نامعین (Indefinite article)

حرف تعریف نامعین شامل **a** و **an** می‌باشد.

حرف تعریف **a** قبل از یک حرف بی‌صدا بکار می‌رود:

a car, a man, a bus, a house

حرف تعریف **an** قبل از یک حرف صدادار (a,e,i,o,u) بکار می‌رود:

an apple, an actor, an animal, an old man

چند نکته

1- در کلماتی مانند **honour, hour, honest** و ... حرف **h** تلفظ نمی‌شود (غیر ملفوظ)، بنابراین همراه با آنها حرف تعریف **an** مورد استفاده قرار می‌گیرد:

an hour, an honourable man

2- کلماتی مانند **European, union, university, unit, useful** و ... با اینکه با حروف صدادار شروع می‌شوند، ولی حرف اولیه آنها مانند «you» تلفظ می‌شود. بنابراین آنها با حرف تعریف **a** مورد استفاده قرار می‌گیرند:

a university, a useful book

a یا **an** تنها قبل از اسامی مفرد قابل شمارش می‌آیند:

a book, a happy boy, a famous actor

برای اسامی جمع، بجای **a** یا **an**، یا از **some** استفاده می‌کنیم و یا اصلاً هیچ کلمه‌ای را بکار نمی‌بریم:

It's a cat. It's a dog. And it's a monkey.
but: These are all **animals**.

a horse, some horses

موارد کاربرد حروف تعریف نامعین (a یا an)

1- هنگامیکه برای اولین بار به کسی یا چیزی اشاره می‌کنیم از **a** یا **an** استفاده می‌کنیم. اما وقتی که به همان چیز دوباره اشاره می‌شود، باید از **the** استفاده کرد:

1. I bought **a** new shirt yesterday. But my wife thinks **the** shirt doesn't fit me.

(دیروز یک پیراهن نو خریدم. ولی همسرم فکر می‌کند که آن پیراهن اندازه من نیست.)

2. Once I had **a** really big dog. But **the** dog wasn't very useful, so I gave **the** dog to **a** friend.

(زمانی یک سگ خیلی بزرگ داشتم. اما آن سگ خیلی مفید نبود، برای همین سگ را به یک دوست دادم.)

2- وقتی که به یک چیز مفرد اشاره می‌شود از **a** یا **an** استفاده می‌کنیم. در این حالت همان معنی **one** یا «یک» را می‌دهد (در مقایسه با ... three, two, ...)

1. I'd like **an** apple and **two** oranges.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

2. Yesterday I bought **three** pencils and **a** notebook.

3- در اصطلاحات عددی خاص:

دوم یک	a half
سوم یک	a third
هشتم یک	an eighth
جفت یک	a couple
دوجین یک	a dozen
صدتا	a hundred
هزارتا	a thousand
میلیون یک	a million

4 - هنگام اشاره به یک عنصر خاص از یک گروه یا طبقه:

الف. همراه با اسامی شغلها:

1. She's **a doctor**.
2. My father is **a teacher**.
3. Are you **an engineer**?

ب. همراه با ملیتها و مذاهب:

1. I'm **an Iranian**.
2. You are **a Chinese**.
3. She is **a Catholic**.

5- همراه با کلمات و اصطلاحات مربوط به مقدار و کمیت:

a lot (of)	a few (of)
a (great) deal (of)	a little (of)
a number (of)	a bit (of)

6- همراه با اسامی مفرد قابل شمارش و پیش از کلمات: **such** و **what**

1. **What a beautiful day!** (چه روز زیبایی!)
2. **What a strange friend you have!** (عجب دوست عجیبی داری!)
3. **Such a pity!** (چه حیف شد!)

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

تلفظ پایانه‌های s و ed

پایانه‌ها (یا پسوندهای) s و ed دو تا از متداول‌ترین پایانه‌ها (endings) در زبان انگلیسی هستند. قواعد تلفظ آنها تغییر ناپذیر است و برای انواع مختلف کلمات یکسان است.

کاربرد پایانه s

پایانه s چهار کاربرد مختلف دارد:

تلفظ			کاربردها
صدای /-IZ/	صدای /-Z/	صدای /-S/	
voice » voices	day » days	act » acts	اسامی جمع
James » James's	Ann » Ann's	Mark » Mark's	حالت ملکی
teach » teaches	lead » leads	like » likes	افعال سوم شخص مفرد
---	she is » she's	it is » it's	حالت مخفف is و has

نحوه تلفظ پایانه s

1- در کلماتی که به یکی از صداهای /f/, /t/, /k/, /p/ صدای /s/ و /z/ ختم می‌شوند، پایانه s صدای /-IZ/ می‌دهد:

refuses, passes, judges, watches, garages, wishes.

2- پس از حروف صدادار و نیز کلماتی که به یکی از صداهای /b/, /d/, /g/, /v/, /ð/, /m/, /n/, /ŋ/ صدای /z/ ختم می‌شوند، پایانه s صدای /-Z/ می‌دهد:

boys, lies, ways, pubs, words, pigs, loves, bathes, rooms, turns, things, walls, cars.

3- پس از حروف بی‌صدای /p/, /t/, /k/, /f/ و /θ/ پایانه s صدای /-s/ می‌دهد:

cups, cats, walks, laughs, tenths.

کاربرد پایانه ed

پایانه ed برای ساختن زمان گذشته ساده و نیز قسمت سوم افعال با قاعده به کار می‌رود:

تلفظ			کاربرد
صدای /-t/	صدای /-d/	صدای /-Id/	
work » worked	fill » filled	need » needed	حالت‌های گذشته افعال
help » helped	need » needed	want » wanted	

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

نحوه تلفظ پایانه ed

1- پس از یک /d/ یا /t/، پایانه ed صدای /-Id/ می‌دهد:

landed, started, visited, demanded

2- پس از حروف صدادار و نیز حروف بی‌صدای /b/, /g/, /v/, /ð/, /z/, /ʒ/, /dʒ/, /m/, /n/, /ŋ/، پایانه ed صدای /-d/ می‌دهد:

tied, paid, robbed, lived, used, judged, seemed, turned, cared, failed.

3- پس از بقیه حروف بی‌صدا، یعنی /p/, /k/, /f/, /θ/, /s/, /ʃ/, /t/، پایانه ed صدای /-t/ می‌دهد:

developed, looked, laughed, berthed, missed, wished, watched.

استرس (stress) در زبان انگلیسی

در بیشتر دیکشنریها برای نشان دادن استرس (stress) از علامت ' استفاده می‌کنند. گاهی هم از حروف بزرگ استفاده می‌شود. به عنوان مثال به کلمه‌های زیر دقت کنید:

magazine /,mægə'zi:n/

letter /'letə/

در کلمه اول استرس روی سیلاب (یا بخش) سوم (-zine) و در کلمه دوم روی سیلاب اول (-let) قرار دارد.

هر کلمه انگلیسی که دارای دو یا چند سیلاب باشد، حتماً دارای یک سیلاب استرس دار نیز می‌باشد:

'yellow (= YEL + low)

sham'poo (= sham + POO)

com'puter (= com + PU + ter)

۱. معمولاً تکیه هر کلمه روی ریشه کلمه است. غالباً در اسمها چون ریشه کلمه در بخش اول می‌باشد تکیه روی بخش اول است.

'doctor 'paper

۲. معمولاً در فعل‌ها چون ریشه کلمه در بخش دوم است تکیه روی بخش دوم است.

be'gin en'joy

۳. اکثر پسوندها مانند (ful – ness- est- er- or- ing- en- ed- es) تکیه ندارند.

'watches – 'worked – 'broken – 'playing – 'actor – 'teacher – 'biggest – 'kindness – 'useful

۴. اکثر پیشوندها مانند (be – re – pre – mis – in – un – im) تکیه ندارند.

Im'possible – un'happy – in'fact – mis'take – re'port – pre'tend – be'fore

۵. در کلماتی که با tele شروع می‌شوند تکیه روی tele می‌باشد.

'telephone 'television

۶. در اسامی روزهای هفته، اسامی فصل‌ها تکیه روی بخش اول است.

'Sunday 'summer 'holiday

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

7. سیلاب قبل از tion دارای تکیه است.

'dictionary infor'mation con'ver'sation

8. در کلماتی که به teen ختم می شوند تکیه روی teen می باشد.

fif 'teen six'teen

9. در کلماتی که به nese ختم می شوند تکیه روی nese می باشد.

Chin'ese Japan'ese

10. در اعدادی که به ty ختم می شوند تکیه روی قسمت اول است.

'forty 'fifty

11. در اسمهای مربوط به روابط خویشاوندی تکیه روی بخش اول است.

'mother 'brother 'sister 'brother – in – law

12. در اسامی مرکب (noun + noun) تکیه روی بخش اول است.

'classroom 'football

13. در ترکیب (adjective + noun) استرس روی اسم قرار دارد.

green 'house cheap 'skates

14. هرگاه بخشی از کلمه صدای کوتاه /ə/ بدهد آن بخش از کلمه دارای تکیه نیست و تکیه روی بخش دیگر است.

a'gain a'bout

15. ضمائر، حروف تعریف، حروف اضافه و افعال Modal و کلمات مخفف دارای تکیه ضعیف هستند.

It's 'good

16. در ترکیباتی که با good شروع می شود مانند good bye استرس روی کلمه بعدی است.

good 'bye good 'morning

17. در ضمائر انعکاسی استرس روی کلمه self قرار دارد.

my'self your'self

18. در دو بخشی های مختوم به ow استرس روی بخش اول قرار دارد.

'borrow 'yellow

19. در بعضی از کلمات با تغییر استرس اسم به فعل تبدیل می شود.

'import(noun) im'port(verb)

'present(noun) pre'sent(verb)

تغییر استرس کلمات

بسیاری از کلمات در زبان انگلیسی به دو صورت اسم و فعل (هر دو) به کار می روند. تلفظ بسیاری از این نوع کلمات، چه به صورت اسم به کار روند و چه به صورت فعل همیشه یکسان است. مثلاً در کلمه **sur'prise** که هم به معنی «غافلگیری» و هم به معنی «غافلگیر کردن» می باشد، استرس همواره روی سیلاب دوم (-prise) قرار دارد.

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

اما بعضی از این کلمات دو حالتی، اسم و فعل هر کدام - از لحاظ محل قرار گیری استرس - تلفظی متفاوت دارند. مهمترین این کلمات در جدول زیر آورده شده‌اند:

معنی	فعل	اسم
رهبری - رهبری کردن	con'duct	'conduct
زد و خورد- زد و خورد	con'flict	'conflict
کاهش - کاهش یافتن	de'crease	'decrease
رقابت - رقابت کردن	con'test	'contest
فرق - فرق داشتن	con'trast	'contrast
نگهبان - نگهبانی کردن	e'scort	'escort
صدور - صادر کردن	ex'port	'export
ورود - وارد کردن	im'port	'import
افزایش - افزایش یافتن	in'crease	'increase
توهین - توهین کردن	in'sult	'insult
اجازه - اجازه دادن	per'mit	'permit
هدیه - هدیه دادن	pre'sent	'present
پیشرفت - پیشرفت کردن	pro'gress	'progress
اعتراض - اعتراض کردن	pro'test	'protest
شورش - شورش کردن	re'bel	'rebel
ثبت - ثبت کردن	re'cord	'record
مظنون - مظنون بودن	sus'pect	'suspect
انتقال - انتقال دادن	trans'fer	'transfer
حمل و نقل - حمل کردن	trans'port	'transport
واژگونی - واژگون کردن	up'set	'upset

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

✪ تفاوت‌های انگلیسی آمریکایی و انگلیسی بریتانیایی

آیا انگلیسی آمریکایی (English American) و انگلیسی بریتانیایی (British English) دو زبان مجزا هستند یا دو حالت مختلف از زبان انگلیسی؟ بعضی‌ها می‌گویند آنها دو زبان مختلف هستند ولی خیلی‌ها آنها را تنها حالت‌های مختلفی از یک زبان می‌دانند.

البته هیچ پاسخ دقیقی برای این پرسش وجود ندارد. ما فقط می‌توانیم بگوییم که تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد. البته باید بدانید که این تفاوت‌ها جزئی بوده و در اثر یکپارچه شدن دنیای امروز این تفاوت‌ها روز به روز کمتر می‌شوند.

در ادامه با برخی از تفاوت‌های میان این دو نسخه از زبان انگلیسی آشنا می‌شوید.

1- املاي کلمات

انگلیسی بریتانیایی تمایل دارد که املاي بسیاری از کلماتی که ریشه فرانسوی دارد را حفظ کند، در حالیکه آمریکایی‌ها بیشتر سعی می‌کنند کلمات را همانطور که تلفظ می‌کنند بنویسند. علاوه بر این، آنها حروفی را که مورد نیاز نیست حذف می‌کنند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

American English	British English
color	colour
center	centre
honor	honour
analyze	analyse
check	cheque
tire	tyre
favor	favour

اگر چه هر دو نسخه‌ی آمریکایی و بریتانیایی زبان انگلیسی صحیح هستند، اما املاي آمریکایی معمولاً ساده‌تر است. بنابراین بهتر است بطور کلی از املاي آمریکایی استفاده کنید، مگر اینکه بخواهید برای خوانندگان بریتانیایی چیزی بنویسید.

2- تلفظ

تلفظ‌ها و لهجه‌های گوناگونی در انگلیسی محاوره‌ای وجود دارد که پرداختن به همه آنها در یک مقاله امکان‌پذیر نیست. بنابراین تنها به تفاوت‌های اصلی بین دو نوع اصلی زبان انگلیسی، یعنی انگلیسی آمریکایی و انگلیسی بریتانیایی اشاره می‌کنیم:

1- صدای /r/ ممکن است در بعضی از کلمات انگلیسی بریتانیایی رسا نباشد؛ مثلاً کلمات car، park، star و bark را در نظر بگیرید. قاعده‌ی آن اینست که حرف r تنها وقتی که یک حرف صدادار بعد از آن بیاید تلفظ می‌شود، مانند British، Iran، bring.

2- آمریکایی‌ها تمایل دارند کلماتی که به «-duce» ختم می‌شوند (مانند induce، produce، reduce و seduce) را بصورت /-du:s/ تلفظ کنند. در انگلیسی بریتانیایی این اغلب کمی متفاوت است: /-dju:s/

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

3- آمریکاییها تمایل دارند کلمات را با حذف حروف کاهش دهند. بعنوان مثال کلمه «facts» در انگلیسی آمریکایی درست مثل «fax» تلفظ می‌شود - حرف **t** تلفظ نمی‌شود.

4- گاهی حروف صدادار در انگلیسی بریتانیایی حذف می‌شوند. بعنوان مثال در هیچیک از کلمات «secretary» و «tributary» حرف **a** تلفظ نمی‌شود.

5- گاهی استرس کلمه در هر کدام از دو نسخه آمریکایی و بریتانیایی تفاوت دارد:

advertisement:

American English: /ædvər'taɪzmənt/

British English: /æd'vɜ:tɪsmənt/

3- لغت

در جدول زیر چند کلمه متداول بریتانیایی به همراه معادل آمریکایی آن ارائه شده است:

معنی فارسی	American English	British English
آسانسور	elevator	lift
شلوار	pants	trousers
کامیون	truck	lorry
بنزین	gasoline	petrol
مترو	subway	underground
آنتن	antenna	aerial
پاک‌کن	eraser	rubber
آپارتمان	apartment	flat
جارختی	closet	wardrobe
صف	line	queue
پیاده‌رو	sidewalk	pavement

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

فهرست افعال بی‌قاعده (نامنظم)

در جدول زیر مهمترین و رایجترین افعال بی‌قاعده به همراه معنی آنها آورده شده است. بدیهی است تعداد افعال یاد شده بیشتر از این مقدار است، اما چون یادگیری آنها برای زبان‌آموزان چندان الزامی نیست، از ذکر آنها خودداری شده است.

اسم مفعول	گذشته ساده	مصدر	معانی اصلی
arisen	arose	arise	برخاستن، بلند شدن، رخ دادن
awoken	awoke	awake	بیدار کردن، بیدار شدن
been	was, were	be	بودن، وجود داشتن
beaten	beat	beat	زدن، شکست دادن
become	became	become	شدن، درخور بودن
begun	began	begin	آغاز کردن، آغاز شدن
bent	bent	bend	خم کردن، خم شدن
bet	bet	bet	شرط بستن
bid	bid	bid	پیشنهاد دادن
bitten	bit	bite	گاز گرفتن
blown	blew	blow	دمیدن، وزیدن
broken	broke	break	شکستن، قطع کردن
brought	brought	bring	آوردن، موجب شدن
broadcast	broadcast	broadcast	منتشر کردن، اشاعه دادن
built	built	build	ساختن، بنا کردن
burned/burnt	burned/burnt	burn	سوختن، سوزاندن
bought	bought	buy	خریدن
caught	caught	catch	گرفتن، بدست آوردن
chosen	chose	choose	انتخاب کردن، گزیدن
come	came	come	آمدن، رسیدن
cost	cost	cost	ارزیدن، ارزش داشتن
cut	cut	cut	بریدن، زدن، چیدن
dealt	dealt	deal	معامله کردن، رفتار کردن
dug	dug	dig	کندن، حفر کردن، کاوش کردن
done	did	do	انجام دادن، (عمل) کردن
drawn	drew	draw	کشیدن، ترسیم کردن
dreamed/dreamt	dreamed/dreamt	dream	خواب دیدن، رویا دیدن

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

آشامیدن	drink	drank	drunk
راندن، بردن	drive	drove	driven
خوردن	eat	ate	eaten
افتادن، پایین آمدن	fall	fell	fallen
احساس کردن، لمس کردن	feel	felt	felt
جنگ کردن، نزاع کردن	fight	fought	fought
پیدا کردن	find	found	found
پرواز کردن	fly	flew	flown
فراموش کردن	forget	forgot	forgotten
بخشیدن، عفو کردن	forgive	forgave	forgiven
منجمد شدن، یخ بستن	freeze	froze	frozen
گرفتن، بدست آوردن	get	got	gotten
بخشیدن، دادن (به)	give	gave	given
رفتن، رهسپار شدن	go	went	gone
رشد کردن، بزرگ شدن،	grow	grew	grown
آویختن، آویزان کردن، به دار	hang	hung	hung
داشتن	have	had	had
شنیدن	hear	heard	heard
پنهان کردن، پنهان شدن	hide	hid	hidden
زدن، خوردن به	hit	hit	hit
نگهداشتن، گرفتن	hold	held	held
آزردن، آسیب زدن (به)	hurt	hurt	hurt
نگاه داشتن، محافظت کردن	keep	kept	kept
دانستن	know	knew	known
گذاشتن، نهادن، نصب کردن	lay	laid	laid
رهبری کردن، بردن، هدایت	lead	led	led
آموختن، یاد گرفتن	learn	learned/learnt	learned/learnt
ترک کردن، واگذاریدن	leave	left	left
وام دادن، قرض دادن	lend	lent	lent
گذاشتن، اجازه دادن	let	let	let
دراز کشیدن	lie	lay	lain
گم کردن، از دست دادن	lose	lost	lost

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

درست کردن، ساختن	make	made	made
معنی دادن	mean	meant	meant
ملاقات کردن، مواجه شدن (با)	meet	met	met
پرداختن، پول (چیزی را) دادن	pay	paid	paid
گذاشتن	put	put	put
خواندن	read /ri:d/	read /red/	read /red/
سوار شدن، سواری کردن	ride	rode	ridden
زنگ زدن	ring	rang	rung
برخواستن، بالا رفتن، طلوع	rise	rose	risen
دویدن، روان شدن، گریختن	run	ran	run
گفتن	say	said	said
دیدن	see	saw	seen
فروختن، به فروش رفتن	sell	sold	sold
فرستادن	send	sent	sent
تیر یا گلوله زدن (به)،	shoot	shot	shot
نشان دادن	show	showed	showed/shown
بستن، بسته شدن	shut	shut	shut
(آواز) خواندن	sing	sang	sung
غرق شدن	sink	sank	sunk
نشستن، نشاندن	sit	sat	sat
خوابیدن	sleep	slept	slept
صحبت کردن، حرف زدن	speak	spoke	spoken
خرج کردن	spend	spent	spent
ایستادن، تحمل کردن	stand	stood	stood
شنا کردن	swim	swam	swum
گرفتن، بردن، خوردن برداشتن	take	took	taken
آموختن، یاد دادن	teach	taught	taught
پاره کردن، پاره شدن	tear	tore	torn
گفتن	tell	told	told
فکر کردن، گمان کردن	think	thought	thought
پرت کردن، انداختن	throw	threw	thrown
فهمیدن	understand	understood	understood

نکات دستوری زبان انگلیسی دوره متوسطه

بیدار کردن، بیدار شدن	wake	woke	woken
پوشیدن، برتن داشتن	wear	wore	worn
پیروز شدن، بردن	win	won	won
نوشتن	write	wrote	written

sources:

www.zabanamoozan.com

www.davari55.blogfa.com

some other internet sites

and grammar books



در کانال تلگرام کارنیل هر روز انگیزه خود را شارژ کنید 😊

<https://telegram.me/karnil>

